نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال یازدهم - شماره ۵۴۰ - یکشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۸۷ - ۱۲ صفحه - ۲۵۰ تومان

خاتمی در بین نخبگان و منتخبین استان بوشهر:

بوشهری یعنی سرفرازی، مناعت طبع، آگاهی و شعور

نشست مطبوعاتی سید محمد خاتمی با خبرنگاران بوشهر:

حاضرم هر هزینه ای را بپردازم

سلام گرم بوشهر به آفتاب اصلاحات



عکس های سفر خاتمی ازمیثم قیصی زاده

خاتمی در اجتماع عظیم مردم بوشهر:

بوشهر از پیشتازان تلاش برای تحقق مردم‌سالاری است

سید محمد خاتمی با حضور در استان بوشهر، در جمع گسترده مردم بوشهر سخنرانی نمود. خاتمی در ابتدای سخنانش با ابراز خرسندی فراوان از حضور در بوشهر گفت: «سلام و درود بر بوشهر قهرمان و سلام بر تنگستان پیروز و سلام و بر همه مردان قهرمان استان بوشهر.»
وی بوشهر را از پیشتازان انقلاب اسلامی و مبارزه با استبداد و استعمار دانست و گفت: «بوشهر از پیشتازان تلاش برای تحقق مردم‌سالاری است همان‌گونه که در انقلاب و دفاع مقدس مردم بوشهر سهم عمده‌ای داشتند و شهیدان بوشهر گواه این صحبت من هستند.»
خاتمی با بیان اینکه بوشهر از جهت دیگری هم دارای امتیاز است در این مورد گفت: «بوشهر از جهت دیگری هم در کرانه خلیج‌فارس شاهد دستاورد مهمی بوده است و آن سیاست اعتمادسازی، تنش‌زدایی در منطقه بوده است.»
خاتمی دفاع از حق هر ایرانی بزرگترین وظیفه هر دولت دانست و تصریح کرد: «ما به هیچ‌کس اجازه نمی‌دهیم به یک ایرانی در هر نقطه‌ای از جهان اهانت شود و نباید زمینه اهانت به ایرانیان را فراهم آورد و به دوستان خود نیز می‌گویم در همه جای دنیا باید محترم باشد.»
«سید محمد خاتمی» با بیان اینکه «باید به بی‌احترامی به ایرانیان در جهان پایان داد» تاکید کرد: «قاطعانه اعلام می‌کنم دفاع از حرمت ایرانیان بزرگترین وظیفه هر دولتی است و ما به هیچکس اجازه نمی‌دهیم که در یک فرودگاه، فروشگاه یا کشور خارجی به ایرانیان اهانت کند.»
رئیس دولت اصلاحات که در اجتماع عظیم بیش از بیست هزار نفر از مردم بوشهر در مسجد جامع این شهر سخن می‌گفت، افزود: ایرانی هرکجا که باشد بسیار عزیز و محترم است و باید محترم باقی بماند.
رئیس دولت اصلاحات در بخش دیگری از سخنانش با انتقاد از مصادره دستاوردهای دولت اصلاحات توسط برخی افراد خطاب به مردم بوشهر گفت: «آیا فکر می‌کنید تکنولوژی هسته‌ای فقط طی یکی دو سال اخیر به این‌جا رسیده است؟ سال‌ها خون دل خورده شده و تلاش‌های فراوانی صورت گرفته تا تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای را به دست آوریم.»
وی تاکید کرد: «معتقدم می‌شد به تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای دست یافت بدون آن‌که ذره‌ای از اصول و منافع خود پایین بیاییم و می‌شد کارهایی کرد که امروز صاحب تکنولوژی هسته‌ای باشیم و پرونده ما در شورای امنیت نبود.»



وی با قدردانی از تلاش‌های «آیت‌الله هاشمی رفسنجانی» در مورد تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای گفت: «جا دارد از تلاش‌های آقای هاشمی رفسنجانی و سایر دستگاه‌ها و به خصوص راهنمایی‌های رهبر معظم انقلاب تشکر کنم.»
رئیس دولت اصلاحات تصریح کرد: «نمی‌خواهم از کارهایی که در گذشته صورت گرفته، صحبت کنم و نمی‌خواهم بگویم چه کارهایی می‌شد، بشود اما نشد سوال من این است آیا جا ندارد که بوشهر و هر ایرانی به خود ببالید که یک زمین لم یضرع در بوشهر، سرمایه‌های عظیمی با حفظ اصول و منافع ایران به این سرزمین تبدیل شود و آیا نباید متاثر بود که آن کارها آن‌گونه که باید می‌شد ادامه نیافته و حتی تاخیر و بلکه تعطیل در کارها رخ داد.»
وی یکی از نقاط برجسته بوشهر را نیروگاه اتمی دانست و گفت: «نیروگاه اتمی بوشهر متاسفانه با کارشکنی‌های متعدد دشمنان در حالی‌که بسیار زودتر از این باید به بهره‌برداری می‌رسید این‌گونه شد اما هیچ‌گاه یاس و ناامیدی ایجاد نشد و خوشبختانه چند روز پیش حرکت آزمایشی این پروژه بزرگ صورت گرفت.»



تنگستان و عسلویه داشته باشد و آن‌را به کانون صنعت و دانش و توسعه اقتصادی و سرافرازی ایران بدل کند؟»
وی خاطرنشان کرد: «آیا می‌دانید که برای زنده شدن این سرزمین بی‌حاصل به کانون مهم عسلویه جوانان و اندیشمندان و مدیران شما چه مشقت‌ها و رنج‌هایی متحمل شده‌اند؟ آیا می‌دانید چه رنج‌هایی کشیده شده تا
خاتمی با بیان اینکه نمی‌خواهم دستاوردهای گذشته را شرح دهم، اظهار داشت: «فکر می‌کنم هر انسان منصفی می‌تواند بگوید که در کدام دولت کارهای بیشتر و بهتری صورت گرفته است کارهایی نظیر فراهم کردن زندگی خوب، امید به زندگی، زمینه‌سازی برای استقلال در کدام دولت محقق شده است؟»
وی در اینجا با بیان اینکه در دولت اصلاحات کارهای بزرگی برای انتقال گاز به بوشهر صورت گرفته است، گفت: «اما من این سوال را از شما دارم که آیا شما صاحب گاز شده‌اید (مردم گفتند نه).»
وی با بیان اینکه سوءتفاهم‌های فراوانی میان ما و کشورهای منطقه وجود داشته، گفت: «دشمنان همواره می‌کوشیده‌اند از این سوءتفاهم‌ها در راستای منافع خود استفاده کنند و به آن دامن بزنند اما سیاست اعتمادسازی و تنش‌زدایی سبب شد با اعتمادسازی و تنش‌زدایی سوءتفاهم‌ها از طریق پیمان‌نامه‌های امنیتی به حداقل برسد و ناگهان فضای منطقه برای سرمایه‌گذاری امن گردید.»رئیس دولت اصلاحات یادآور شد: «ما مدافع همه مظلومان در جهان هستیم و خواستار استقلال و آزادی فلسطین و بازگشت فلسطینیان به سرزمین خود هستیم. ما معتقدیم رژیم اسرائیل یک پدیده نامبارک است.»
وی با بیان اینکه دشمنان می‌کوشند به جای اسرائیل این‌گونه القا کنند که ایران دشمن منطقه و اعراب است، نسبت به تحرکات دشمنان در منطقه هشدار داد و این‌گونه القائات دشمن را یک توطئه بزرگ دانست و در همین مورد تاکید کرد اگر سیاست تنش‌زدایی ادامه پیدا می‌کرد این توطئه از بین می‌رفت.خاتمی با تاکید بر اینکه ایران دشمن هیچ‌کس نیست و از ایران نباید ترسید خطاب به جهانیان گفت: «ایران مقتدر برای همه کشورهای منطقه مفید است.»
وی خطاب به مسوولان نیز گفت: «به مسوولان می‌گویم تحت تاثیر تبلیغات دشمن قرار نگیرید و در کنار ایران مقتدر قدرتمند باقی بمانید.»رئیس دولت اصلاحات با بیان اینکه ما همه سرنشینان یک قایق هستیم گفت: «دشمن می‌خواهد این قایق را سوراخ کند به همین دلیل باید هشیار باشیم و از تفرقه دوری کنیم.»وی در ادامه تصریح کرد: «مسوولان باید سیاست منطقی و اعتدال‌گرا را رعایت کند و زمینه سوءاستفاده دشمنان را فراهم نیاورند.»
رئیس دولت اصلاحات در پایان سخنان خود از حجت‌الاسلام و المسلمین «سید محمدحسن نبوی»، نماینده سابق مجلس که به گفته خاتمی از پیشتازان انقلاب بوده است تقدیر کرد و گفت: «من ارادتمند ایشان بوده و هستم و هیچ‌گاه زحمات ایشان فراموش نخواهد شد.»
خاتمی همچنین از منوچهر آتشی و نیز شهید آشوری به نیکی یاد کرد.

تجلیل از دانش‌آموختگان مدرسه تاریخی سعادت بوشهر

به مناسبت روز بوشهر از ۱۸ نفر از دانش‌آموختگان مدرسه تاریخی سعادت بوشهر تجلیل شد. به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، استاندار بوشهر در این آیین با اشاره به اینکه یادکردن از میراث فرهنگی کار با ارزشی است، اظهار داشت: دلاورمردی، شجاعت، اقتدار، ضداستعماری و مبارزه با ظلم در کنار روحانیت از پیشینه‌های تاریخی مردم بوشهر است.
وی افزود: برگزاری چنین آیین‌هایی باید با شکوه و عظمت بیشتری در سطح شهرها و روستاهای استان برگزار شود.
شهردار بوشهر نیز در این آیین گفت: با تصویب شورای شهر بوشهر، ۱۸ اسفند به عنوان روز بوشهر تعیین شد و به ثبت میراث فرهنگی نیز رسید. شاپور رجایی افزود: روز بوشهر گرامیداشت مردمانی سخت‌کوش، مقاوم، صبور، با ایمان و خونگرم است.
وی تصریح کرد: بوشهر دیروز امکانات امروز را نداشته اما تاریخ گواه است که بوشهر صاحب سبک معماری شناخته شده‌ای در دنیا است. شهردار بوشهر گفت: سبک معماری قدیم بوشهر در زمان کنونی در حال فراموشی است و از هویت تاریخی بوشهر کمتر اثری در ساخت و سازهای جدید مشاهده می‌کنیم. در پایان این آئین از ۱۸ دانش آموخته پیشکسوت مدرسه تاریخی سعادت بوشهر تجلیل شد.

آگهی استخدام

یک شرکت بزرگ دولتی به منظور تکمیل کادر تخصصی خود در استان بوشهر برابر جدول ذیل استخدام می نماید . داوطلبان واجد شرایط می توانند فرم درخواست زیر را تکمیل و به همراه مدارک مورد نیاز حداکثر یک هفته پس از انتشار آگهی ، به نشانی استان بوشهر — صندوق پستی ۳۶۳ - ۷۵۶۱ یا کد پستی ۳۴۵۳۹ - ۷۵۶۱۷ ارسال نمایند. بدیهی است به مدارک و شرایط ناقص و درخواست هایی که بعد از تاریخ فوق به پست تحویل داده شود ترتیب اثر داده نخواهد شد و در ضمن اولویت با متقاضیان بومی می باشد.

ردیف	عنوان شغل	نوع استخدام	محل خدمت	تعداد مورد نیاز	جنسیت	حداکثر سن	حداقل معدل	مدرک تحصیلی و شرایط مورد نیاز
۱	کارشناس کشاورزی	قراردادی	بوشهر	۱	مرد	۳۰	۱٤	لیسانس کشاورزی با گرایش زراعت و اصلاح نباتات

مدارک مورد نیاز :
۱- تکمیل فرم درخواست ۲- فتوکپی شناسنامه ، کارت ملی ، مدرک تحصیلی ، کارت پایان خدمت یا معافیت دائم خلاصه سوابق کاری (در صورت موجود)

- فرزندان محترم شاهد ، آزادگان سرافراز و ایثارگر در صورت کسب حد نصاب امتیاز در اولویت خواهند بود.
- پس از بررسی مدارک ارسالی از واجدین شرایط دعوت بعمل خواهد آمد .

نام :	نام خانوادگی :	نام پدر :	شماره شناسنامه :
محل صدور	تاریخ تولد روز ماه سال	مدرک تحصیلی:	رشته تحصیلی :
دین :	وضعیت نظام وظیفه :	کارت پایان خدمت ☐	کارت معافیت : ☐
فرزند شهید ☐	آزاده ☐	جانباز ☐	رزمنده با قید مدت حضور داوطلبانه جبهه ☐
آدرس کامل و کد پستی : تلفن ثابت : تلفن همراه :			

جوابیه

زیبنده نیست پایتخت اقتصادی کشور با یک تشکیلات بخشداری اداره شود

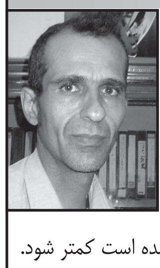
قیصرصالحی نماینده دوره هفتم

ابتدا خدا قوت وخسته نباشید خدمت مدیرمسول و تمامی قلم بدستان ودست اندرکاران هفته نامه وزین نسیم جنوب، ضمن تشکر از ابراز نظر آقای فرزان اسدی درمورد مطلبی به عنوان «پورفاطمی وقیصر چه کسی نشانه گرفته اند». اولا تاکنون بنده در هر موقعیتی بوده ام حامی نیروهای بومی بوده ام، از جمله آقای رضوی. دوما چنانچه مدیریت بومی دچار نقصانی شود و لیکن فعالین سیاسی و اجتماعی دچار سکوت شوند، کمال بی انصافی است وهیچ وقت دارای جامعه خلاق و با نشاط نمیشویم. ثالثا درطول چهارسال نمایندگی و تاکنون متاسفانه هیچ وقت بوشهریهای مقیم مرکز از بنده دعوت نکرده، فقط یک بار بوشهریهای مقیم شیراز دعوت کردند که شرکت کردم، شخصا علاقه دارم شرکت کنم ولیکن نمیدانم حتی محل جلساتشان کجا هست. رابعا خطاب به بنده فرموده اند خودتان برای عسلویه چکار کرده اید. خدا را شاکر هستم در مرحله دوم انتخابات مردم عسلویه بیش از نود درصد به بنده رای دادند و از این رضایت واعتماد مردم آن منطقه تا زنده ام مدیونم و با دعای خیر مردم بزرگترین یادگار بنده و همکاران دوره هفتم تصویب قانون دو درصد هست که با جرات اعلام میکنم در نوع خودش در تاریخ یکصد ساله مجلس بی نظیر است. کلنگزنی و شروع عملیات اجرایی بیمارستان ۳۲ تختخوابه عسلویه که متاسفانه حدودیک سال است ساختمان آن روی ۸۰ درصد متوقف شده، چرا با پایان نمایندگی من این پروژه حیاتی متوقف شد؟ تصویب ۴۰ میلیارد تومان در بودجه ۸۷ برای تکمیل تصفیه خانه کوثر و پمپاژ کاکی و شروع عملیات طرح آبرسانی بزرگ عسلویه با ده میلیارد تومان اعتبار که متاسفانه روند اجرایی آن خیلی کند شده است، گرفتن بودجه گازرسانی عسلویه و تعدادی روستاهای منطقه وکلنگ زنی آن در ۲سال قبل که انتظار است این پروژه تسریع شود، اخذ مجوز با همکاری و همت مردم ومسولین دانشگاه بین المللی پیام نور عسلویه همزمان با دانشگاه دیر وجم و... که اینها عملکرد بنده نیست بلکه خدمات نظام جمهوری اسلامی در آن مقطع زمانی بوده و انتظار بنده ،شما و مردم منطقه و استان هست که پروژه های عسلویه در اولویت باشد و زیبنده نیست پایتخت اقتصادی کشور با یک تشکیلات بخشداری اداره شود. همانطوریکه مسولین اقتصادی امکانات صنعتی و اقتصادی را توسعه داده اند، قطعا با این افزایش چشمگیر جمعیت و... مسولین سیاسی استان چرا باید اینقدر بی تفاوت و منفعل باشند؟ قطعا اگر عسلویه به شهرستان تبدیل شود به نفع استان میشود و میتواند با اقتدار بیشتری نسبت به منافع ملی استان و منطقه منشا اثر باشد.

آرزوی نوروزی

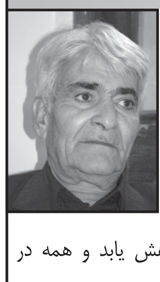
بعد از صحت و سلامتی و احوال خوش و... آرزوی نوروزی شما چیست؟

فکری به حال وضعیت اقتصادی شود



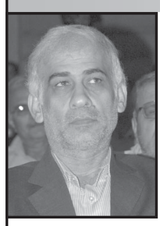
داریوش غریب زاده (هنرمند و فیلمساز): جامعه ایران از نظر اقتصادی به شدت رنج می برد و فاصله بین فقیر و غنی روز به روز بیشتر می شود و من آرزو دارم که مجموعه اجرایی دولت برای این معضل فکر اساسی کنند و دیگر اینکه سوء تفاهم هایی که دامنگیر همه جامعه و از جمله جامعه هنرمندان شده است کمتر شود.

از محرومیت کمتر سخن گفته شود



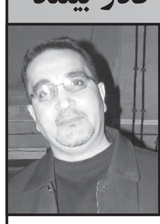
محسن شریف (نویسنده): اول از همه آرزو می کنم که امسال سال پر رونقی برای همه مردم کشور به خصوص استان بوشهر و شهروندان بوشهری باشد، سالی که از محروم و محرومیت کمتر سخن گفته شود و به دلیل ساماندهی شهر و دیار و بهبود یافتن اوضاع نابسامان مملکت نقد و انتقادهای رسانه ای کاهش یابد و همه در زندگی شان در آسایش و آرامش باشند.

تحولی نو در عرصه هنر



سید محمد سیدزاده (رئیس حوزه هنری بوشهر): بهار غنچه سبزی ست که مثل لبخند باید بر لب انسان بنشیند. اینجا بوشهر است، سرزمین پرطراوت و لطافت؛ سرزمین نخل های سر به فلک کشیده و استوار و سرزمین آبی دریا، این گرما بخش روح پاک انسان. حوزه هنری استان بوشهر نیز سالی سرشار از عشق، شور و صمیمیت را برای همه انسان های عزیز خصوصا جامعه هنری استان آرزو می کند.

فرزانگان این سرزمین قدر بینند



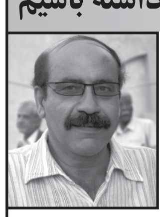
امید غضنفر (روزنامه نگار):۱- امیدوارم در سال جدید نخبگان و فرزانگان این سرزمین قدر بینند و بر صدر نشینند. ۲- امید که فخر آفرینی های دیگری را از اهالی قلم و هنر و اندیشه زادبوم بی بدیلم بوشهر دیرساله نظاره گر باشم. ۳- آرزو دارم کارهای بزرگ را به انسان های بزرگ بسپارند و کارهای کوچک را به آدم های کوچک. ۴- سرفرازی و بهروزی مردمان آریایی تبار میهنم را خواهانم. هفت سینشان سلام و ساز و سرور و سرفرازی و سور و سرود و سلامتی باد. ایدون باد.

سالی بدور از تنگ نظری



ناصر علیخواه (روزنامه نگار): ضمن آرزوی توفیق روزافزون برای مردم کشورمان در جهت پیشبرد تحول اجتماعی همراه با زندگی با نشاط، در پرتو عنایت خداوندی سالی پر از شکوفایی و بدور از تنگ نظری ها در رفاه و سلامت کامل به سر برند که در آغاز دهه چهارم انقلاب بدون دغدغه خاطر زندگی را با کامیابی استمرار دهند. به امید دستیابی به آن روزهای زیبا و با طراوت.

کمی قطعی آب و برق داشته باشیم



مهدی جهانبخشان (طنز پرداز): آرزوی اول اینکه ماهواره امید که به طرف زهره رفته با بچه سالم برگرده. دوم اینکه تابستون، کمی قطعی آب و برق داشته باشیم تا زندگیمون از یکنواختی در بیاد. سوم اینکه خانه مطبوعات، به سه تا و چار تا و بعد به یک مجمع مسکونی تبدیل بشه یا از جمع این خانه های مطبوعات، یک محله مطبوعات ساخته بشه. چهارم اینکه مریضی و بیماری به طور کلی از بین بره تا پزشکا، بیکار بشن و از زور بیکاری مثل سلمونیا که وقتی بیکار میشن سر همدیگه رو می تراشن، اونا هم همدیگه رو ویزیت و جراحی کنن و بفهمن مریضا چه پولایی سرازیر جیب دکترا و پزشکا می کنن.

صلح، پایداری، پیروزی



مسعود شکوهی (سخنگوی شورای شهر بوشهر): آرزوی آدمی بی پایان است و این آرزو مسیر هر آدمی را به عهده می گیرد و آرزوی من آرزوی صلح، پایداری، پیروزی و توفیق و عاقبت بخیری برای همه است. اینکه همه مردان و زنان به حقوق انسانی خود دست یابند و من نیز همان منِ قبلی باشم و با انسانیت زندگی کنم تا پیش وجدانم شرمندهً نباشم و زندگی را همان گونه که هست بپذیرم. سعی کنم شاد باشم بی آنکه برای شادی ام دلیل خاصی داشته باشم. بهار بهترین بهانه برای آغاز، و آغاز بهترین بهانه برای زیستن است.

اجرای دوباره مراسم قدیم

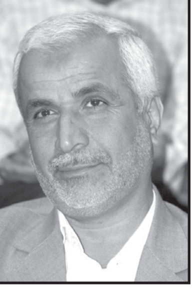


فرزان اسدی (نویسنده): یکی از آرزوهای نوروزی من اجرای دوباره مراسم قدیم و قدیم تر هاست. مراسم نوروزی قدیم - اجرا و شلیک توپ شروع سال نو- برنامه های حاجی فیروز و عمو نوروز و.... - دادن پول به کوچکترها به عنوان عیدی(نه حالا که کارت اعتباری میدهند و....) - بیشتر شدن صله ارحام - دستبوسی کوچکترها از بزرگترها. آرزوی دیگر پیچیدن عطر دوباره تازه درخت نخل و عطر بهار نارنج و پرتقال در کوچه و خیابان های شهر - شادی کودکانه کودکان - دیدن کودکان مشغول چیدن کنار و شادی آنها.

نسیم جنوب
۳
مقاله
شماره ۵۴۰ یکشنبه ۱۸ اسفند ماه ۱۳۸۷
NASIM JANOUB

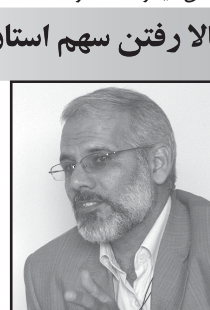
آرزوی نوروزی

استقبال مناسب از میهمانان نوروزی



غلامعلی میگلی نژاد (نماینده بوشهر، دیلم و گناوه): همیشه این آرزو را داشتم که مسئولین و مدیران شهری ما و مردم ما به لحاظ روحیه میهمان دوستی شان از میهمانان عزیزی که وارد استان ما می شوند به زیبایی میزبانی کنند و نسبت به میهمانانی که وارد استان می شوند از جهتی آبروداری کنند و من از آقای شهردار و شورای شهر و استاندار و دیگر مدیران استان انتظار دارم که با جدیت تمام، تمهیدات و برنامه ریزی مناسبی داشته باشند تا آنهایی که بوشهر را برای گذراندن تعطیلات نوروز انتخاب می کنند، با خاطرات خوب و خوشی استان را ترک کنند تا خستگی یکسال کار و تلاش از تنشان به در رود و برای یکسال کار و تلاش دیگر آماده شوند.

بالا رفتن سهم استان از درآمد ملی



عسگر جلالیان (نماینده کنگان، دیر و جم): : آرزوی نوروزی من برای استانم این است که در سال جدید و ورود سال جدید بشنوم که قدمی هر چند کوچک در راه توسعه استان و کشور برداشته شود. چون استان بوشهر در درآمد ملی این کشور سهم بسیار بالایی دارد منتهی از درآمد ملی، سهم بسیار پایینی دارد و آرزوی ما این است که با تلاش مجمع نمایندگان استان و مدیران و متولیان و حتی اصحاب رسانه و افراد صاحب نظر، با یک همفکری و همگامی و همکلامی بتوانیم این معادله را تغییر دهیم به گونه ای که سهم استان از درآمد ملی بالا برود و بهبود پیدا کند و این آرزویی ست که ما برای سال آینده داریم و به جد هم دنبال می کنیم و وظیفه همه بوشهری هاست که در این چارچوب کمک کنند و با این نگاه حرکت کنند.

مردم از نظر اقتصادی و امنیتی دغدغه نداشته باشند



پورفاطمی (نماینده دشتی و تنگستان): آرزوی من این است که مردم در آرامش باشند و زندگی متناسب با شانشان داشته باشند که بتوانند جلوی همسر و بچه هایشان شرمنده نباشند و وقتی به منزل بر می گردند در کنار خانواده شان شب را با آرامش خاطر به صبح برسانند و از نظر اقتصادی و امنیتی دغدغه زیادی نداشته باشند، مخصوصا در مسائل زندگی شان. نعمت هایی که انسان متوجه آن نیست یکی صحت و سلامتی ، دیگری امنیت رفاهی و اجتماعی ست و رسیدن به آرامش یعنی داشتن این موارد.

به ثمر رسیدن زحمات یکساله



شاپور رجایی (شهردار بوشهر): اعتقاد قلبی من صحت و سلامتی برای همه هم میهنان و هم استانی هایمان است و آرزوی دوم من این است که آن زحماتی که همکاران ما طی سال ها و ادوار گذشته انجام داده اند و زحماتی که طی یکسال گذشته کشیده ایم، به ثمر بنشیند تا هم شهروندان بوشهر و هم هم میهنان عزیزی که به شهر بوشهر سفر می کنند از این موهبت طبیعی برخوردار شوند و ما هم آن زحماتی را که مجموعه همکاران در این بین کشیده اند را به طریقی به مردم و میهمانان عرضه کنیم که هم شهروندان و هم میهمانان از آن برخوردار باشند.

خانه تکانی دل نیز بپردازیم



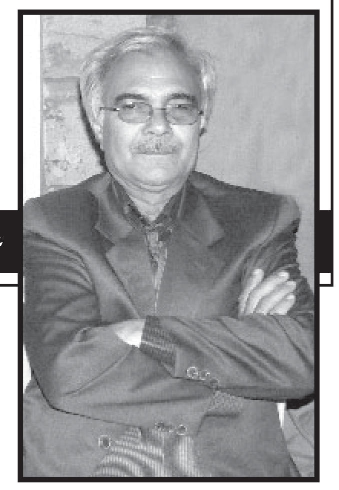
اردشیر محمدی باغملایی (رئیس شورای شهر بوشهر): غروب سالی که در آن قرار داریم اندک اندک فرا می رسد و طلوع سال جدید را ان شاء الله به نظاره خواهیم نشست. پیش از فرا رسیدن نوروز بنا به سنت دیرینه، ایرانیان خانه تکانی می کنند، آرزوی من این است که شهروندان عزیز و دوست داشتنی علاوه بر زدودن گرد و غبار منزل به خانه تکانی دل نیز بپردازند.نوروز گاهِ تغییر است. تغییر در احوالات درونی، تغییر در رفتار و تغییر در اخلاق به بهترین وجه.بیاییم از نوروز آینده انسان دیگری باشیم.

امنیت شغلی برای کارگران



عیسی محمد کمالی (رئیس خانه کارگر): آرزوی من در این بهار، آزادی و عدالت می باشد. در سال جدید آرزو دارم که مردم سالی بهتر از سال گذشته در تمام ارکان اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... داشته باشند و از آنجا که رئیس خانه کارگر می باشم آرزو دارم که کارگران ما امنیت شغلی در سال آینده داشته باشند و همه آحاد مردم، یکپارچه در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده و به رئیس جمهور ایده آل خود رأی داده تا رئیس جمهوری را که بتواند همه اقشار جامعه را به یک چشم ببیند، انتخاب نمایند.

ای(این) بُچیل نه اوبُچیلنِ



عبدالحسین احمدی ریشهری

به مناسبت بزرگداشت روز بوشهر

پس از انتشار مجلد دوم سنگستان(از این نگارنده)، یکی از فرزانگان بوشهری به نام یاسین محمدی که آن را به طور کامل خوانده بود، در باب کم و کاستی های کتاب به ویژه ذکر نام بوشهر در اشعار شاعران پارسی گوی، این آگاهی روشن گنانه را به من داد که چرا نام بوشهر که در شعر خاقانی شروانی آمده، از قلم انداخته ام؛ و آن، دراین بیت است:

به دُنبه ی بُشُ بوسعدِ طغلی، از بوشهر؛ / به قُندُزِ لبُ بونجم روبه، از تهلاب.

در باب این موضوع، بایسته دانستم اگر توفیقی برای چاپ دوباره ی آن مجلد به دست دهد، شرح آن را بر صفحات کتاب بیفزایم. اما چون همه ی راه ها را برای چاپ آن، برروی خود بسته دیدم، بر آن شدم مطلب را از طریق هفته نامه نسیم جنوب تقدیم خوانندگان عزیز بکنم.

تا آن جا که برما معلوم است، چهار تن از ادیبان ایرانی به نام های علی عبدالرسولی(۱۷-۱۳۱۶ خورشیدی)، دکتر ضیاء الدین سجادی(۱۳۳۸خ)، و بعد از اینان، در همین یک دهه ی اخیر؛ آقایان میرجلال الدین کزازی و جهانگیر منصوری، دیوان خاقانی را تصحیح وبه چاپ رسانده، و هر کدام در توان دانش خویش شرحی بر اشعار خاقانی نگاشته اند. متأسفانه من از نزدیک به دیوان علی عبدالرسولی دست نیافتم، اما از سه نسخه ی چاپی بعدی که در دسترس بود، دوربین کنجکاوی خود را تنها بر روی دو نسخه ی سجادی و کزازی تنظیم نمودم. در بیت مذکور که علاوه برنام بوشهر از مکان به ظاهر جغرافیایی اما ابهام آمیز دیگری به نام «تهلاب» (در نسخه سجادی) یاد شده است، هر دو نام (بوشهر و تهلاب) در نسخه های خطی متفاوت دیوان خاقانی شکل های مختلف نوشتاری به گونه های: بوشهر، نوشهر، فوشهر- تلخاب، تهلاب، بلخاب، فهلاب و«شهلاب»، به خود دارند.

گونه گونی ریخت این نام ها، که بی تردید ناشی از اشتباه کاتبان(نساخان) بوده است، ما را برآن داشت که در نگاه نخست ؛ به سنجه و مقایسه دو نسخه سجادی و کزازی با هم، بپردازیم تا در درست تر بودن یکی از نام های مختلف بالا، به نتیجه معقول و منطقی برسیم.

دکتر سجادی در تصحیح دیوان خاقانی، از پنج نسخه خطی یا چاپی به شرح زیر بهره برگرفته است:

۱ – نسخه ی ل– متعلق به کتابخانه بریتیش میوز یوم لندن. این نسخه که سجادی در تصحیح دیوان، نسخه ی اساس قرار داده، کامل ترین و قدیم ترین نسخه ی تاریخ دار دیوان خاقانی است و تاریخ کتابت آن به سال۶۴۴ هجری می رسد.

۲ – نسخه ی ص– متعلق به آقای صادق انصاری،

۳ – نسخه ی مج– متعلق به کتاب خانه مجلس شورای ملی

۴ – نسخه ی پا– متعلق به کتاب خانه ملی پاریس

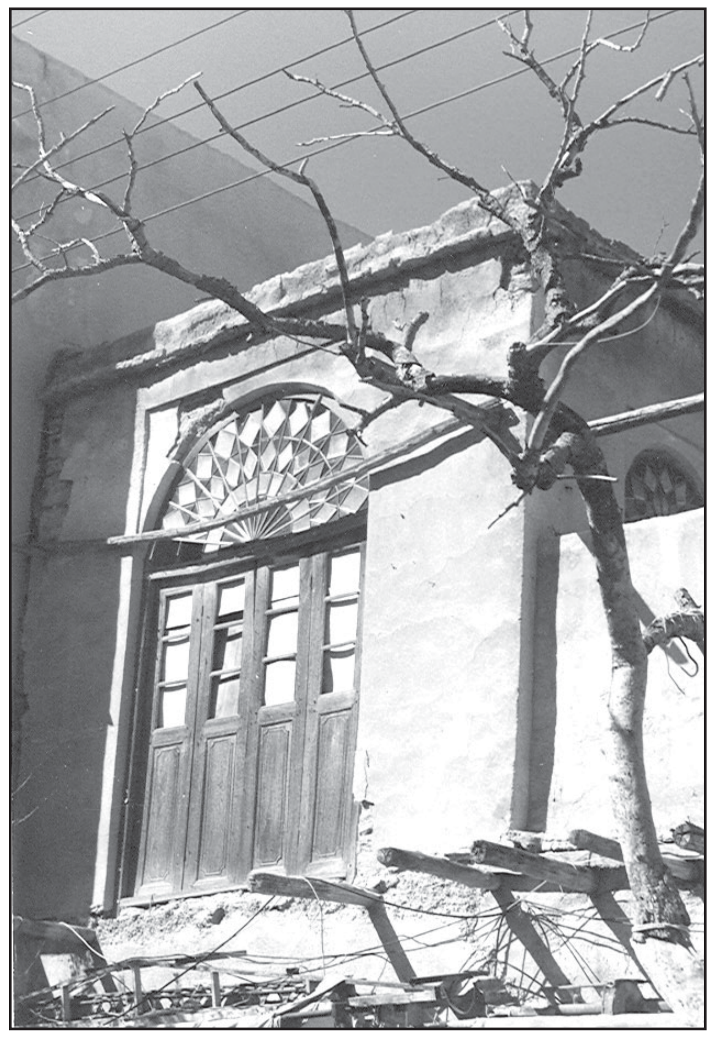
۵ – نسخه ی ط– چاپ تهران به تصحیح علی عبدالرسولی(۱۷-۱۳۱۶ خروشیدی)

سجادی، هر موردی که با شکل های ناهمگون نوشتاری در این نسخه های پنج گانه آمده است، در پانوشت صفحه ی مربوط بدان، در هر نسخه نمایان کرده، و در تعلیقات پایان کتاب نیز درباره پاره ی مواردی که فرا خوردانش خویش می دانسته است، اظهار نظر عالمانه نموده، اما از بسیاری موارد دیگر نیز رندانه در گذشته است، و از جمله در درست تر بودن: بوشهر و نوشهر- تهلاب و تلخاب.

و دکتر کزازی با بهره گیری از۸ نسخه ی خطی در کتاب خانه دانشگاه تهران– ۲مورد متعلق به سده های ۷و۸ هجری، یک مورد متعلق به سده نهم، و۵ مورد دیگر متعلق به سده یازدهم و قدیم تر از همه از میکروفیلم نسخه متعلق به سده ۷هجری (۶۶۴ه) موزه بریتانیا یعنی همان که سجادی در تصحیح دیوان خاقانی آن را اساس قرار داده و با رمز(ل) از آن، نام برده است– فقط در باب اصل بودن «تلخاب» در ریخت نام هایی که در بالا آورده ایم ؛ تأکید کرده و عقیده براین دارد که اصل آن باید همین بوده باشد، و در پانوشت صفحه مربوط به آن نوشته اند: «در متن س» [سجادی] و«ع» [عبدالرسولی]: «تهلاب»؛در برنوشته [نسخه خطی] «ب» (یعنی میکرو فیلم نسخه متعلق به سده هفتم هجری = ۶۶۴،موزه بریتانیا): «تلخاب». همین ریخت درست می نماید. چندین جای در گوشه و کنار ایران زمین چنین نامیده شده اند؛ یکی از آن میان، تلخابی است، در بخش خورموج، از بوشهر، بونجم روبه که خاقانی، به شیوه ای شوخ و طنز آلود، از او یادآورده است از همین تلخاب می تواند بود.(۱)

این ابراز عقیده آقای کزازی چند پرسش زیر را به دنبال خود می کشاند:

۱ – یکی این که چرا آن جناب فقط به درست تر بودن «تهلاب» یا «تلخاب»(در نسخه های س و ع و ب) نگاه افکنده و از نسخه های «ل» و «ص» و «پا» ی مورد استفاده جناب سجادی که درآن نسخه ها نیز به ترتیب ؛ ل: از بلخاب، ص: از تلخاب، پا: از شهلاب، درج شده است، به دیده نگرفته و یا شاید خود را به فراموش گری زده اند.



۲ – دیگر، آن که جناب کزازی با آن وسعت اندیشه و تخیل فراوان که در دانش ادبی دارند، چرا به نسخه های کتاب خانه مجلس شورای اسلامی در ننگریسته و تنها به نسخه های کتاب خانه دانشگاه تهران بسنده نمود ه اند؟ این که می گوییم نسخه های مجلس ؛ زیرا آقای محمد دادفر نماینده اسبق مجلس شورای اسلامی از بوشهر) پیرامون همین امر کنجکاوی نموده و نوشته اند(من به بخش نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی رفتم و در شش نسخه ای که من دیدم به جای بوشهر ۵ مورد نوشهر بود و یک مورد فوشهر – و به جای«تلخاب» در مصراع دوم مورد نظر هم ۳ مورد تهلاب و یک مورد شهلاب و دو مورد هم ثهلاب بود.(۲)

و سوم، آقای کزازی اگر به پیشینه تاریخی روستای تلخاب بوشهر آگاه می بود که چند سال از عمر شکل گیری آن گذشته بوده است، شاید واقعیت امر را باوسواس علمی بیشتری دنبال می کرد. در خصوص بود و نبود تلخاب جغرافیایی در بخش خورموج بوشهر آن هم در سده ششم هجری و در زمان خاقانی، به استناد آمار جمعیتی که مربوط به نخستین سرشماری جمعیت کشور ایران (۱۳۳۵ خورشیدی) در دست داریم و نفرات تلخاب = تلخو، و در اصل «تلخه»را ۱۷۴ نفر (۱۰۰ نفر زن،۷۴ نفر مرد) آمار داده اند، به روشنی بر می آید که در نهایت، بیش از یکی دو سده از زمان پایه گذاری تلخاب تا نخستین سرشماری مردم آن جا در سال ۱۳۳۵؛ نمی گذشته است. حال باید انصاف داد چگونه می توان برآن بود که تلخاب مورد ادعای کزازی در بخش خورموج(بوشهر)، پیشینه تاریخی اش به سده ششم هجری(عهد خاقانی)می رسد.

و در سخن آخر، از جناب کزازی باید پرسید چرا در میان آن همه اماکن جغرافیایی که در دیوان خاقانی ذکر آن ها رفته است، از ایشان فقط چند ناحیه انگشت شمار را و از آن جمله تلخاب بوشهر سخن به میان آورده اند؟ آن هم برای کسی که کارش ویراستاری دیوان خاقانی بوده است، و نه ویرایش موضوعی وفنی آن، به گمان من هیچ به دور نیست از میان دانشجویانی که از محضر وی در دانشگاه بهره می برده اند؛ یکی از آن ها نیز خود را ازمحله تلخاب معرفی کرده بوده؛ و استاد کزازی در موقع ویراستاری متون اشعار خاقانی و رسیدن به بیت مذکور، با ذهنیت از نام زادگاه آن دانشجو، شاید در اندیشه چنین اظهار نظری افتاده بوده است.

با ژرف نگری علمی به املای ترکیب تلخاب درباره دوم بیت مذکور که به شکل های تهلاب، تلخاب، شهلاب، و ثهلاب در نسخه های چند گانه دیوان خاقانی دیده می شود:

۱ – چنانچه در اصل تلخاب بوده باشد؛ تلخاب از تلخ + آب = آب تلخ؛ در این ترکیب، تلخاب را بیشتر به معنای آب تلخ می توان درنظر گرفت تا به عنوان یک مکان جغرافیایی یعنی «تلخه آب»= تلخو. اما باید دید در جای دیگر از دیوان خاقانی، از نام تلخاب (آب تلخ)، ذکری به میان آمده تا آن را به همان معنی تلخ آب =آب تلخ، منظور بداریم؟

در قصیده ای در مدح فخر الدین منوچهر شروان شاه(در مطلع سوم، بیت ششم) آمده است:

آن یوسف گردون نشین، عیسیِ پاکش هم قرین؛ در دلو رفته، پیش از این؛ تلخاب دریا ریخته.

با در نگریستن به معنی تلخ آب در این بیت آخر، آیا نمی توان این تلخاب را با آن تلخاب پیشین، در یک معنی به حساب آورد؟

۲ – اگر تلخاب را به عنوان یک مکان جغرافیایی یعنی ناحیه تلخ آب = «تلخه آب»به دیده بداریم، چنان که برما معلوم است و جناب کزازی هم در مورد آن فرموده اند، چندین جای در گوشه و کنار ایران زمین چنین نامیده شده اند، از آن جمله در بخش های شهرستان اراک، زنجان، مهاباد، تبریز، ایلام(۲مورد)، کهگیلویه، اهواز و زرند کرمان(۳)

۳ – اگر در اصل شهلاب (باز به عنوان مکان جغرافیایی)بوده باشد، «شهلاب» نام ملک و سرزمینی بوده که روباه آن جا به درازی مو معروف است.(۴)

البته از ترکیب « شهلاب» به دلیل آن که در قدیم ترین نسخه ی خطی دیوان خاقانی (ل= موزه بریتانیا) نیامده، و نیز از بلخاب به خاطر آن که در هیچ یک از فرهنگ نامه ها دیده نمی شود، در می گذریم، اما در این توصیف های سه گانه، آنچه می تواند با مضمون های بیت سازگاری داشته باشد، به دیده گرفتن درست بودن « شهلاب»– نه تهلاب یا تلخاب – در شعر خاقانی است.

از آن گذشته، به دلیل ناهمگنی ریخت نام های بوشهرو تلخاب، که به صورت های نوشهر، فوشهر– بلخاب، تهلاب، فلخاب، شهلاب، ثهلاب– «طفلی» و « طغلی»– در نسخه های چند گانه دیوان خاقانی آمده است، چون به همین سادگی نمی توان معنای کامل بیت مورد بحث را فهم کرد، بنابراین از روی معانی نموده های آن بیت؛ و هم تناسب دو پاره بیت با هم؛ و در عین حال با حدس و تخمین که چاره ای جز آن نیست، اگر اصل بیت به صورت:

به دنبه ی بُش بوسعه طغلی از بوشهر / به قُندزِ لبِ بونجم رو به از شهلاب، باشد:

طغلی(بنا به گفته سجادی) نوعی گوسفند است، و بوسعد ممکن است کنیه گوسفند باشد، چنان که بونجم کنیه روباه است.(۵)

برای «قندز» علاوه بر آن که نام ولایتی است نزدیک ظلمات، دو معنی دیگر مشابه هم نیز دارد: جانوری است شبیه به روباه چر، جانوری است شبیه به سگ و در ترکستان بسیار است.(۶)

«شهلاب»چنان که پیشتر گفته شد؛ به معنی سرزمینی است که روباه آن جا دِرازمو باشد.

بی مناسبت نیست بگویم؛ اتفاقاً نظیر همین معنی شهلاب؛ در بوشهر (نواحی بیرونی) ما نیز به زمین های اطراف هر محله، روَه چر (روباه چر = جایگاه روباه) می گویند و به خود روباه نیز در زبان کنایه «حاجی روباه».

البته کارما، در این مقال، داوری در باب کیفیت نسخه ی تصحیح دکتر کزازی نیست، چون او فقط به ویراستاری دیوان خاقانی پرداخته است، اما بی مناسبت نیست درباره ی سبک و افکار خاقانی در اشعارش، کوته سخنی به میان آوریم:« آنچه که خاقانی را از دیگر شاعران ممتاز می دارد به کار بردن لغات و ترکیبات خاص و ساختن تراکیب گوناگون است از لغاتی که دیگران به کار نبرده یا خیلی کمتر به کار برده اند... اکثر اشعار او را به فکر بسیار توان فهمید و از شعرای متقدمین کم کسی همچو او تتبع قواعد و ملل غیر مشهور کرده و از الفاظ و لغات بسیاری که امروز متعارف نیست در میان اشعار و ابیات او مندرج است از این جهت است که بعضی از ممیزان اشعار، سخنان او را نمی پسندند (از کتاب: خلاصه الاشعار و زبدهٔ الافکار)... بنابر همین جهات فهم غالب اشعار خاقانی مبتنی بر داشتن مقدمات علمی و آشنا بودن به اصطلاحات نجوم و سایر علوم است.... بعضی به علت اشکال و دشواری اشعارش بیشتر از پانصد بیت از ابیات او را دارایِ معنی ندانسته اند... تشبیهات تازه که ظاهراً هیچ سابقه ندارد در اشعاراو فراوان است و غالباً نتیجه احساس و قوت تخیل خود اوست... دقت و باریک بینی خاقانی در محسوسات مخصوص خود اوست و گاهی این دقت و باریک اندیشی از حد اعتدال بیرون می رود و آنچه می گوید حال لغز و معما را پیدا می کند.(۷)

سخن هرچه باشد، چون فهم بسیاری از ابیات در قصاید پر از تخیل و استعارات و کنایات و در تشبیهات عجیب و غریب خاقانی بسیار دشوار است و به آسانی نمی توان به معانی آنها پی برد؛ و از جمله در همین بیت مورد بحث، یعنی در آن جا که او مضمون های پاره دوم بیت را با پاره اول در هم آمیخته و کلمات یا بهتر گفته شود: تناسبات لفظی «به دنبه ی» و « به قندز» / « بُش بوسعد» و «لب بونجم»/ طغلی از بوشهر و بونجم روبه از شهلاب، را در همان پیچیدگی زبان خود، آن هم برای هجوگویی یا طنز، در زبان گرفته و با هم قیاس کرده است، ما ترجیح می دهیم– اما تأکید نمی کنیم– که احتمالا همان نام بوشهر و تلخاب در بیت مذکور، باید درست تر بوده باشد، اما نه به عنوان یک مکان جغرافیایی، بلکه به صورت یک ترکیب وارون شده در معنای استعاری آن، یعنی «تلخاب» را همان آب تلخ، و بوشهر را به معنی شهر بو= جای گنده = شکم، همخوان با تلخاب می توان معنا کرد.

با این همه، تا زمانی که اصحاب دانش ادبی و ادیبان نکته سنج این گونه نگرش ما را درمعنای بوشهر = شهر بو، (در شعر خاقانی)تایید ننمایند باید واقعیت امر را با تردید تلقی کرد.

اما در مورد نام بوشهر و آوازه برون مرزی آن به عنوان یک مکان جغرافیایی در سامان خلیج فارس و در سده ششم هجری، که لابد جناب کزازی آن را بوشهر کنونی انگاشته و به استناد آن؛ تلخاب خورموج را همان تلخاب نام برده شده در نسخه «پا»؛ و به گفته ی خودش در نسخه ی «ب» (موزه بریتانیا)، در بیت مورد نظر دانسته اند؛ جز این که بگوییم پای استدلال کزازی (در این جا) چوبین بوده است، بی سبب نمی باشد؛ زیرا بوشهر با ریخت و نام فعلی خود که هیچ گونه شباهت وتناسبی با معنی بوشهر در زبان خاقانی، را ندارد؛ در زمان نادرشاه افشار (۱۱۴۸ ه) به چنین نامی موسوم شده و پیش از آن تاریخ، بنا به گفته ی و بارتولد: «... به نام سیف» معروف بوده و یک دهکده کوچک ماهی گیری بیش نبوده است».(۸)

برای آگاهی بیشتر در این زمینه می توانید به مجلد دوم سنگستان از این نگارنده (ص ۲۴) نگاه کنید.

منابع و مآخذ:

۱ – دیوان خاقانی، ویراسته ی دکتر میر جلال الدین کزازی، تهران، نشرمرکز،چاپ اول، ۱۳۷۵ ص۸۳/۸۲

۲ – نگ: هفته نامه نسیم جنوب، شماره ۴۸۱، دی ماه ۱۳۸۶،تحت عنوان «درنگی برنام بوشهر در شعر خاقانی»،ص۴ . توضیح : البته این کنجکاوی آقای دادفر قابل تحسین است، اما جای ایراد نیز دارد؛ زیرا تاریخ و رمز نسخه های دیده شده را معلوم و مشخص نکرده است.

۳ – نگ: دهخدا، لغت نامه

۴ – غیاث الدین رامپوری، غیاث اللغات، به کوشش منصور ثروت، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳ ص۵۲۷

۵ – دیوان خاقانی شروانی، به کوشش: دکتر ضیاءالدین سجادی، تهران، انتشارات زوار، چاپ سوم، ۱۳۶۸ ص۱۰۰۴

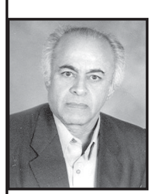
۶ – دهخدا، همان

۷ – به نقل از دکتر سجادی، دیوان خاقانی شروانی، مقدمه، سبک و افکار خاقانی، ص۵۴/۵۳

۸ – و. بارتولد، تذکره ی جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه: حمزه سر دادور، تهران، انتشارات توس، چاپ سوم، ۱۳۷۲ص۱۸۱

عشق و دنیای سرمایه داری

نجف آهوچهر



دنیای سرمایه داری عشق را مثل سایر فضیلت ها به لجن کشیده است. عشقی که بنیان گذار جامعه است و با توالد و تناسل اساس آن را پی ریزی می کند و سپس با ایجاد رابطه ی معنوی و پرورش ذوق هنری و همبستگی های روحی میان افراد، بین بعد مادی و بعد معنوی جامعه تعادل برقرار می سازد، تبدیل به یک عشق جهنمی سیاه یک طرفه شده که فقط بعد مادی آدمی را پرورش می دهد و در واقع یک معشوق بیشتر وجود ندارد و همه برای بدست آوردنش در تلاشند. این بت عیار، پول است که هر ماجرای دیگری اعم از عشقی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی با آن حل می شود، همه چیز به صورت کالا درآمده و بازاری شده است حتی عشق. (۱)

افلاطون در اثر جالب خود سمپیوزیوم (مهمانی) از زبان سقراط می گوید «عشق و عشق ورزی در نفس خود نه خوب است و نه بد.» عشق خوب است وقتی الهامی که از آن به دل می رسد موجب آزادگی و بزرگواری باشد و عشقی که از آفرودیت سرچشمه می گیرد طبیعتاً بازاریست و امروزه این عشق بازاری و مبتذل متاع رایج بازار سرمایه داریست و ازدواج در واقع با پول می شود نه با شخص، زن همسری را برمی گزیند که تمکن مالی داشته باشد و مرد دختری را در نظر می گیرد



که خودش یا خانواده اش متمکن باشند. لحظات بی خبری و شور و دلدادگی که عشاق جهان غوغای هستی را پشت سر می گذاشتند و دامن صحرا می گرفتند و در نزد هم مستحیل می شدند، در اغمای مستی و در اعماق زیر زمین های نمور با حرارت مصنوعی الکل و عشوه های روسپیان جلوه گر است. زن از بسیاری از حقوق حقه ی خود محروم است و معنویت که چیزی جز درک صحیح دیگری نیست بکلی حذف شده و خودشیفتگی جایگزین آن گردیده است. زیرا جامعه ای که عشق در آن حکومت کند یک جامعه تخیلی نیست بلکه جامعه ای است که با فطرت آدمی همساز و دمساز است. عشق قبل از اقتصاد با تشویق به توالد و تناسل سنگ اول جامعه را می گذارد و با ایجاد بستگی حیاتی و مماتی رابطه پدر و مادر با فرزندان را محکم می کند و سپس با تحول عشق تن به تن به عشق روان به روان، یعنی همه ی مردم را مثل معشوق و فرزند خود دوست داشتن و جامعه بشری را درک کردن، میان بعد مادی و معنوی جامعه تبادل برقرار می کند. این عشق است که تکاپوی اقتصادی را به وجود می آورد و پدر و مادر را وادار می کند که فرزند را به قیمت جان تغذیه کند، زیرا نقش اقتصاد در حرکت و پایداری جامعه نقش دست دوم است، زیرا بنا عشق است و بود و نبود آن بقا و زوال جامعه را موجب می شود، عشق در حکم تشنگی است و اقتصاد چون آب. اگر انسان تشنه شد آب را از اعماق خاک بیرون می کشد به قول مولوی بزرگ: ‹‹آب کم جو تشنگی آور بدست– تا بجوشد آبت از بالا و پست.››

سیستم سرمایه داری این روند عاشقانه را به مرور برهم زده و به جایش بیگانگی گذاشته است. امروز همه با هم غریبه اند و هر کس چنان در مشکلات زندگی فرو رفته است که دیگری را نمی بیند، اگر شما را آب ببرد همسایه را خواب برده است. روزی خلاف این بود و آن زمانی بود که میان مردم ارتباط معنوی برقرار بود و همه به نحوی کمک حال هم بودند و از آن احساس پشت گرمی می کردند. این ارتباط درست آن چیزی است که روح سرمایه داری همیشه مخالف آن بوده و کوشیده تا آن را از هم بگسلد چون مصرف را محدود می کند و پول را از ارزش می اندازد و جامعه سرمایه داری اساس سیاست خود را بر توسعه جامعه مصرفی پایه ریزی کرده است و ساعت به ساعت ارتباط معنوی افراد را با هم سست و سست تر کرده بطوری که تقریباً همه افراد حتی پدران و مادران با فرزندان بیگانه شده اند و هر کدام در گوشه ای بی خبر از هم افتاده اند. عاملی که ارتباط صمیم را بوجود می آورد عشق است. قلمرو و قدرت نمائی خدای عشق تنها جان و تن انسان نیست بلکه سراسر عالم وجود است و طالب جاودانگی و الفت و انسان را از دنیای خردیت به دنیای جمعیت می کشاند و تعادل در جامعه برقرار می سازد، عشق در صورتهای مختلف آن از دوران جوانی با عشق های آتشین و سرکش که بستر طلبی و تولید مثل خواست طبیعی آن است شروع می شود و سپس عشق معصوم و ایثارگر مادی و عشق تکاپو گر پدری برای حراست و پرورش فرزند که سرآغاز عشق های متعالی است پدید می آید و بالاخره عشق های افلاطونی و عرفانی که حاصل عروج و تعالی روح آدمی از بستگی های مادی و درک زیبائی مطلق جهانی است نصیب می شود و این نوع عشق است که ابعاد مادی و معنوی جامعه را با یکدیگر متعادل می سازد تا هم جامعه باقی بماند و هم انسان در آن جاودانه زندگی کند، تمام عشق ها برای ایجاد و گسترش و حفاظت جامعه بشری است و انسان طبیعی انسانی است که از مراحل مختلف عشق بگذرد و از عشق تن به تن به عشق روان به روان عروج نماید و این معنی را درک کند که در ساخت و نگهداری جامعه خود سهیم است.یک قصه نیست غم عشق و این عجب / کز هر زبان که می شنوم نامکرراست (حافظ)

تا عشق نبودی و غم عشق نبودی
چندین سخن نغز که گفتی که شنودی
گرباد نبودی که سر زلف ربودی
رخساره ی معشوق به عاشق که نمودی
عالم از ناله عشاق مباداخالی
که خوش آهنگ و فرح بخشی نوائی دارد (حافظ)

نسیم جنوب ۴
ویژه
شماره ۵۴۰ یکشنبه ۱۸ اسفند ماه ۱۳۸۷
NASIM JANOUB

بوشهر شهر من

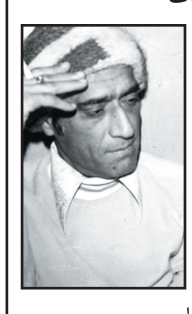
به مناسبت روز بوشهر **عبدالمحمد (دانا) جفره**

افتخاریست که از بطن تو برخاسته ام
سرفرازیست که پرورده دامان توام
سلسه دوزی دامان تو امواج سفید
آبی دامنت آبی خلیج
گشته منقوش زتصویر بسی خاطره ها:
جنگ آن شهر دل دلواری
که یورش برد به دشمن و نداش فرصت
که بماند و به دامان تو تصویر شود لکه ننگ.
قامت شیر محمد که به خشم
ظلم را ساخت به رخسار فشنگ بیرنگ
و هزاران گل سرخ
هر گلی خاسته از خون دلیری که دلیرانه برفت
خون سروی که سر آورد و سرافراز بمرد
هر شقایق زتن سرخ شهیدی که شجاعانه برفت
خون مردی که به میدان شد و مردانه بمرد
شهر من قدمت تاریخی است از عیلام است
شهر من، شهر ابو، شهر لیان
شهرمن، سیراف من، ریشهر من، بوشهر من
جورها برتو گذشته است و دلت پرخون است
شروه حرف دل تو صوت نی ات محزون است
دامنت دامن شاعر پرور
دامنت دامن شیران و دلیران پرور
مرکب آتشی آن اسب سفید
تندری نعل پی اش نقره ی ناب
برنوشته است به دشت تو بسی قصه شیرین و عجیب
حمله برده است به سلطانی و داده است نهیب
سرو بستان تو نخل است، بلندا و نجیب
ز بنت سینه تو پنگ پر از خارک زرد زرگون
شهد خرمای تو شیرین و شرابی گلگلون
و صدایت که به بوق است و به سنج و دمام
تا به فریاد بگوئی که تو هستی خوشنام

سرباز پیر

به مناسبت بیستمین سال در گذشت
استاد محمد رضا نعمتی زاده (نیمای جنوب)

محمدرضا بیات



ای برگرفته لنگر از کرانه ی پابندی
مجنون،
ای برکشیده شراع...
از جزیره ی لیلی
دیدی چه خوش سپردی آخر،
عنان مرکب خود را به لجِه ی دریا!؟
سرباز پیر عرصه ی پیکار...
با کام تشنه هنوزت به شیر شعر،
لب شسته ای و نمی زنی لبخند
چون کودکان، به کلاهگوشه ی سردار
سرباز پیر عرصه ی پیکار
اینک نگاه کن، به دور دست، در افق
آن جا که دامن گلرنگ آسمان،
با مرز ارغوانی دریا پیوند خورده است
سرخ در سرخ،
زرد در زرد،
طلا در طلا...
طلا، طلا، طلا...
قبه ی طلا،
گنبد بی مناره ی خورشید،
در شهر آرمانی ات،
قرص به مسلخ غنوده ای ست که هیچ گاه
در یک نقطه با افق مماس نمی شود
سرباز پیر عرصه ی پیکار،
چفیه ات،
آغشته به خون سیاه شاهرگ قلم،
دیدنی تر است...

با کاروان قلمداران

حیدر عرفان

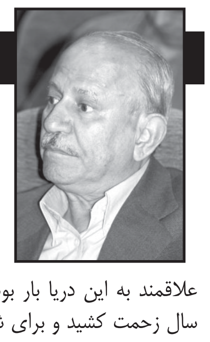
اندر پگاه قرار سفر
همچون گذشته ی مرسوم زمان
قرار عهد و انتظار به درازا کشید
آندم که دیر کرد جا نستوه فراز آمد،
رهنمون همسو به دعوت برخاست
از آشنا و دیگر کسان زن و مرد،
سفر فراخوانی را پیشباز آمده بودند
رسیدن به دیدارگاه نخستین بسامان شد
و شادی سپاسگونه ره آوردش.
از خوشامدی شایان سبزه رویان شادان
و شور گنبد نمکی جاشک آبدان
اما از نابومی ها ی جمگاز که
میزبان چوپان شمار یافتیم، پژمان!
همکه گفتمان و هم سخنی خاطره بار
و ارمغان مهروران آبدانی
چاشنی سفره و نوشخوار واگشت بی ملال...

نیکان بوشهر

خدمتگزاری که قدرش شناخته نشد

به مناسبت درگذشت روزنامه نگار قدیمی بوشهر شادروان عبدالعلی بحرینی

دکتر سید جعفر حمیدی



بزرگ بود و از اهالی این دیار بود، دل سوز این منطقه و علاقمند به این دریا بار بود. بیش از چهل سال زحمت کشید و برای شناخت این شهر و دیار به مرکزنشینان تلاش کرد. عبدالعلی بحرینی فرزند عبدالمحمد کدخدای لیل بحرینی بود اما او خود از کدخدایی، مردم داری را فرا گرفته بود و تواضع. دلش دریا بود و سینه اش کوهسار. سال های دهه ۱۳۳۰ نمایندگی روزنامه اطلاعات را در بوشهر به عهده گرفت همان سال هایی که من با او و سایر همکلاسان، در دبیرستان سعادت در یک کلاس و حتی روی یک نیمکت می نشستیم. از اول به خبرنگاری و روزنامه نویسی علاقه داشت، من بارها در نوشتن با او همکاری داشتم و حتی تابلو بزرگ روزنامه اطلاعات را برایش نوشتم.
بسیار، مردمی و متواضع و خاکی بود. چهل و پنج سال برای روزنامه اطلاعات زحمت کشید زمانی که راه ها آسفالت نبود، وسیله نبود، روزنامه را به وسیله چهار پا از راه های سنگلاخی و کوهستانی می گذراند و به دور دست ترین مناطق استان می رساند. بارها می گفت در مقابل زحماتی که می کشد حقوق ناچیزی را از اطلاعات دریافت می دارد. دفتر کار او مغازه کوچکی بود در خیابان شاهپور(لیان امروز) زیر خانه آقای حاج ابراهیم بزاف که امروز تبدیل به پاساژ شده است. زنده یاد رضا بوشهری نژاد این دفتر کوچک را اداره می کرد و غالباً دانش آموزان و دانشجویان علاقمند به مطالعه که بسیار هم اندک بودند و بنده هم یکی از آنها بودم در آنجا جمع می شدند. بعدها دفتر اطلاعات به اول خیابان لیان، درست رو به روی خیابان معلم کنار کوچه حاج ولی دوچرخه ای و سینما محمد غوث منتقل شد. عبدالعلی بحرینی بعدها با سرکار خانم زهرا جعفری، همشیره زنده یاد عبدالرحیم جعفری ازدواج کرد. عبدالرحیم جعفری که به پیرمطبوعات بوشهر و یا پدر مطبوعات بوشهر شهرت داشته و دارد و چیزی از درگذشت او نگذشته بود که خانه مأنوس او که بیش از شصت سال جعفری در آن نفس کشیده بود و کتاب هایش را چون جان در آن نگهداری می کرد به بنایی دیگر تبدیل شد که هر چند زیبا است و نوآوری اجتناب ناپذیر است اما اگر مالک محترم جدید، ساختمان را به نام ساختمان جعفری نامگذاری کند، هم نام او زنده می ماند هم غنا و برکت ساختمان



بیشتر می شود. به هر حال عبدالعلی بحرینی بعد از چهل و پنج سال خدمت به جامعه مطبوعات سرانجام بازنشسته شد و خود و همسر محترمش مقیم شیراز.
عبدالعلی بحرینی در نوجوانی که با هم به دبستان پهلوی سنگی کنار مسجد توحید می رفتیم، داغ برادر رشیدش را دید و در ایام میان سالی، داغ فرزند رشیدش را اما دردناک تر این که بعد از چهل سال خدمت، بدون حقوق بازنشستگی او را باز نشسته کردند. بدون اینکه دیناری به او بپردازند. در سال ۱۳۸۵ که من در شیراز بودم به من زنگ زد و روزی در حضور او و همسر محترمش بودم، گله و درد دل بسیار داشت از اینکه کسی به دیدن او نمی رود بجز چند نفر از دوستان بسیار نزدیک مثل استاد عباس رستمی و چند نفر دیگر. از من خواست تا نامه ای نویسم به حاج آقا دعایی مدیر مسئول محترم روزنامه اطلاعات و احقاق حقوق او بنمایم. من هم نامه ای تقریباً مفصل نوشتم و سفارشی فرستادم به اطلاعات و رونوشت آن هم برای آقای بحرینی فرستادم از تهران به شیراز. متن نامه چنین است:
حضور محترم جناب آقای دعایی مدیر مسئول محترم موسسه اطلاعات
با سلام و عرض تحیات، عرض حال یک خدمتگزار واقعی و صادق اطلاعات را معروض می دارد.
آقای عبدالعلی بحرینی نماینده و خبرنگار اطلاعات از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۰ در استان بوشهر پس از ۴۵ سال خدمت در نیمه دوم سال ۸۰ به افتخار بازنشستگی نایل شد اما بعد از آن همه خدمات درخشان در شرایط بسیار مشکل منطقه ای و زحمات طاقت فرسا برای رساندن اطلاعات به دور افتاده ترین و صعب العبور ترین مناطق استان بوشهر، متاسفانه هیچ گونه پاداش یا حقوق بازنشستگی برای ایشان در نظر گرفته نشده است و امروز پس از صرف دوران جوانی در خدمت اطلاعات، در وضعیت روحی و جسمی نه چندان مساعد خود و همسرش در خانه ای محقر در شیراز زندگی می کنند بدون این که دیناری بابت حق بازنشستگی یا حق خدمت ماهیانه دریافت دارد. جنابعالی خود مستحضرید که گذران زندگی با دشواری های معاش و دست خالی و هزینه های موجود به ویژه هزینه های درمانی برای کسی که عمرش را صرف کرده و امروز در سنین بالا که احتمال بروز هرگونه بیماری برای او می رود تا چه اندازه سخت و طاقت فرساست.
علی هذا استدعا دارد تصمیماتی اتخاذ فرمایید تا این مرد شریف و زحمت کشیده، به حقوق خود برسد یا از طریق پاداش نقدی یا مقرری بازنشستگی ماهانه به جهت خدمات ۴۵ ساله، ایشان را یاری فرمایید. مسلم است که خداوند بزرگ یاری کنندگان را دوست دارد به ویژه یاری به کسی که حقی از او ضایع شده است. بدیهی است که کلیه مدارک خدمت نامبرده هم در موسسه اطلاعات و نزد خود وی موجود می باشد که می توان دستور داد با آدرس شیراز- خیابان ستارخان غربی- جنب انجمن دندانپزشکان پلاک ۳۱۶ از ایشان مطالبه مدارک نمود.
با تشکر دکتر سید جعفر حمیدی استاد دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی

متأسفانه تا امروز جواب این نامه دریافت نشده است. امسال که شنیدم آقای بحرینی به بیماری قلبی دچار شده اند، بسیار متأثر شدم اما در این مدت فرصت نشد که به شیراز به زیارتش بروم. تا اینکه چند روز پیش از شیراز به من زنگ زدند که: انا لله و انا الیه راجعون

دلم گرفت و حواسم زدست رفت همی
که آن پرنده ی باران زشست رفت همی
دلم گرفت که دنیا بسی هراسان است
دل از شقاوت دنیا بسی هراسان است.

و کار دنیا غیر از این است که آن که می آید، سرانجام می رود و آن چه می ماند خدمت به خلق و نیکی کردن در حق مردمان است و خوب زیستن و درست زیستن.
روحش شاد باد و بازماندگانش سلامت و سرفراز.

نوحه و نوحه خوانی

دکتر سید جعفر حمیدی : در شماره ۵۳۶ یکشنبه ۲۰ بهمن۸۷ پاسخ جناب آقای عبدالحمید دشتی فرد به گفتار کوتاه تلفنی فوری و غیر پیش بینی شده اینجانب در آن نشریه وزین خواندم و بسیار استفاده کردم و لازم می آید چند نکته ای را در تکمیل نوشته ناخدای سینه زنی که هم خدمت پدر بزرگوارشان و هم خدمت خودشان همیشه ارادت داشته ام، بنویسم:
اولاً بنده در طول عمر در هیچ صفی قرار نگرفته ام و قرار هم نخواهم گرفت دیگر اینکه هر کس در حد خود برای خود حرمت دارد. خواب و بیداری کسی هم مربوط به اینجانب نخواهد بود. هر کسی دست به قلم دارد به نوعی بیدار است.
موضوع عدم ارتباط سینه زن با نوحه دلیل بدی نوحه خوان، نوحه ساز یا ضعف نوحه نیست. قدیمی ها وقتی نوحه ای جدید می ساختند، چند روز اول عده ای را در مسجد، حسینیه یا قلندر خانه جمع می کردند و نوحه تازه را تمرین می دادند و من منکر نوآوری و نوسازی هیچگاه نبوده و نیستم و مقالات فراوان درباره نوآوری دارم اما همه چیز باید اساسی باشد تا ماندگار شود. اتفاقاً من خود از نوحه های جدید بسیار لذت می برم. همه نوحه سازان و نوحه خوانان در طول سال ها زحمت کشیده و می کشند و اگر گاهی اظهارنظری سازنده پیش آید، دلیل ناآگاهی و بی اطلاعی نیست. مثلا بنده روی بسیاری از شعرهای جدید نوحه حرف دارم و این در تخصصی من است. در شب عاشورای گذشته نوحه خوان بسیار بزرگواری شعری در واحد خواند که من فیلمش را دیدم که اکثر ابیات آن شعر، غلط بود و نوحه خوان با چه زحمتی آنها را به هم ربط می داد.
من بارها اعلام کرده ام که در سرودن یا تصحیح اشعار نوحه آمادگی دارم اما هیچکس تاکنون به من مراجعه نکرده، یا اظهار نظر نخواسته است.
نکته دیگر این که این مسأله با موضوع کتاب ماشین نوشته های بنده اصلاً ربطی ندارد. این کتاب در چاپ اول سه هزار و در چاپ دوم سه هزار نسخه چاپ شده و الان هم کمیاب است و در صدد چاپ سوم هستم. آقای دشتی فرد عزیز کتاب های دیگر بنده در ارتباط با بوشهر را ممکن است ندیده باشند، اما کتاب «استان زیبای بوشهر» را مطالعه فرمایند که من درباره نوحه و نوحه سرایی چه نوشته ام.
به هر حال اگر در گفتگوی تلفنی بنده که در هفته چندین بار اتفاق می افتد و من گاهی حاضر به جواب نشده ام و این امر استثنایی پیش آمد، اگر سوء تفاهمی پیش آمده و یا موجب کدورت عزیزان نوحه پرداز و نوحه خوان شده است، عذرخواهی می کنم و در پایان هم می گویم که نوحه، مجموعه ای است از ارتباط ریتم پا، دست، صدا، حرکت و ابتکار و هنر نوحه خوان، در غیر اینصورت کشتی سینه در دریای مواج سینه زن در هم می شکند و از هم می گسلد و نکته آخر این که حفظ حرمت اشخاص در نوشتن، اعتبار قلم را افزایش می دهد. والسلام.

فرهنگ سازی مهندسی فرهنگ باید به طور متوسط دنبال شود



استاندار بوشهر گفت: با توجه به تاکیدات مقام معظم رهبری در ارتباط با مهندسی فرهنگی، متولیان امر باید فرهنگ سازی مهندسی فرهنگی را به طورپیوسته دنبال کنند.
ابوطالب شفقت در نشست شورای رهبردی مهندسی فرهنگی استان بوشهر اظهار داشت: برگزاری همایش ها، کنگره ها و نشست ها در ارتباط با مهندسی فرهنگی برای تبیین امر باید ادامه یابد. وی با اشاره به این که باید با سیاستمداری دقیق مهندسی فرهنگ را فرهنگ سازی کنیم تصریح کرد: مهندسی فرهنگی باید در مسیری باشد که تأثیرآن به صورت مملوس در جامعه دیده شود.
استاندار بوشهر گفت: طرح جامع مهندسی فرهنگی استان بوشهر باید در قالب شورای فرهنگ عمومی به عنوان یک مرجع عالی تصمیم گیری در ارتباط با مسائل فرهنگی تدوین شود. شفقت اظهار داشت: کارشناسان و نخبگان و متخصصان حوزه مسائل فرهنگ نیز باید نظرات خود را در ارتباط با تدوین ساختار مدیریتی طرح جامع مهندسی فرهنگی استان بوشهر ارائه کنند. وی افزود: در زمینه مهندسی فرهنگی، بعضی از برنامه های وظایف ذاتی دستگاههای اجرایی است که باید آن را انجام دهند.
شفقت با تأکید برتوسعه بینش در فعالیت های پژوهشی گفت: اراده جمعی متولیان امور فرهنگی در اجرایی شدن طرح مهندسی فرهنگی ضروری است.
دبیر شورای راهبردی مهندسی فرهنگی استان بوشهر نیز در این نشست با اشاره به فرمایشات رهبر معظم انقلاب در ارتباط با مهندسی فرهنگی گفت: برای این که حرکت مهندسی فرهنگی از تئوری به عمل برسانیم کلیات بومی سازی مهندسی فرهنگ استان را تنظیم کردیم.
حجت الاسلام محمد نصیری با اشاره به اینکه ورود بینش یکی از برنامه ها در این زمینه بود افزود: در این بخش چهار همایش مختلف از آذر ماه سال گذشته تا کنون برگزار شده است.
وی ادامه داد: تربیت نیروی انسانی، پژوهش های نظری و عملی و کاربردی و طراحی و تدوین نقشه فرهنگی استان از دیگر کلیات مهندسی فرهنگ استان بوده است.
دبیر شواری راهبردی مهندسی فرهنگ استان بوشهر با اشاره به تشکیل مرکز راهبردی مهندسی فرهنگ استان بوشهر گفت: تسریع در توسعه اقتصادی اجتماعی استان از طریق سازگاری و هماهنگی هویتی، ارتقا بهره وری و اثر بخشی کلیه فعالیتها از جمله اهداف مهم مرکز راهبردی مهندسی فرهنگ در استان بوشهر است.
وی در ارتباط با مهم ترین اولویت های سال هشتاد و هشت شورای راهبردی مهندسی فرهنگی اظهار داشت: تکمیل و اجرای مهندسی فرهنگ کشور و تهیه پیوست فرهنگی برای طرح های مهم، تقویت قانونگرایی، انضباط اجتماعی، وجدان کاری، خود باوری، روحیه کار جمعی و پرهیز از اسراف و استفاده بهینه از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی برای تحقق اهداف فرهنگی استان از مهم ترین اولویت های شورای رهبردی مهندسی فرهنگ در استان بوشهر است.

آرزوی نوروزی

مردم به طرف کتابخوانی بروند



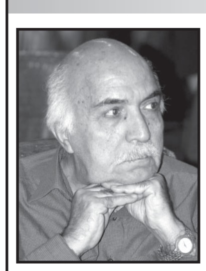
قاسم مهدی زاده (نویسنده بوشهری): آرزوی من این است که مردم در سال جدید به طرف کتابخوانی بروند چرا که هر اندیشه ای که مطالعه پشت آن نباشد مانند خانه ای ست که فنداسیون ندارد و به نوعی خشت بر آب زدن است؛ مطالعه مثل فنداسیون داخلی افراد است. انسان نسبت به هر کاری که می کند باید آگاهی داشته باشد و این آگاهی تنها از طریق مطالعه بدس۰۰ت می آید.

به وحدت رسیدن اصلاح طلبان



حسن لاوری(مدیر مسئول هفته نامه نصیر بوشهر): من به عنوان یک روزنامه نگار بوشهری آرزو دارم که اصلاح طلبان به وحدت برسند و از ۳ کاندیدای اصلاح طلب یکی باقی بماند و در نهایت، در انتخابات ریاست جمهوری اصلاح طلبان به پیروزی برسند.

شکوفایی کشور



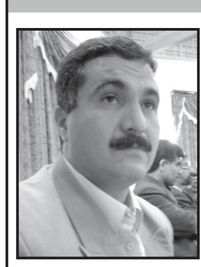
حسین حشمتی (روزنامه نگار بوشهری):آرزوی من به عنوان یک روزنامه نگار بوشهری پیروزی سید محمد خاتمی در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری است و در این صورت تمام آرزوهایی که شخصا برای شکوفایی اقتصاد، بهداشت، امور اجتماعی و آزادی سیاسی دارم حاصل خواهد شد. در حقیقت در پرتو پیروزی آقای خاتمی تمام این موارد محقق می شود.

آبادانی ایران



غلامعلی قاضی زاده (مدیر مسئول هفته نامه چشم انداز جنوب):آرزوی من به عنوان یک روزنامه نگار و یک ایرانی این است که در کنار سایر ایرانیان در سراسر جهان، آبادانی ایران است و فکر می کنم که این آرزو هم با پیروزی اصلاح طلبان به رهبری آقای خاتمی در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری محقق خواهد شد.

عنایت خداوند به این سرزمین آهورایی



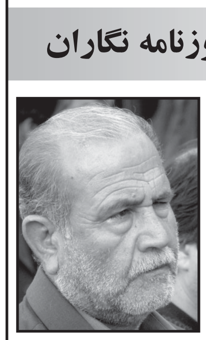
دکتر اسدپور(استاد دانشگاه خلیج فارس): آرزوی من این است که ملت ایران و تمام ملت هایی که در حوزه فرهنگ ایران قرار دارند شادی و پیشرفت را توامان داشته باشند و خداوند عنایت خود را نسبت به این سرزمین اهورایی همچنان مبذول فرماید و مردم ایران را در توجه و به کار بستن آنچه که شایسته انسان و پیشرفت انسان است یاری فرماید تا بدینوسیله زمینه های رشد و بالندگی اجتماع ایرانی فراهم گردد.

کاهش شعارها و قول های سرکاری



اکبر صابری (مدیر مسئول هفته نامه اتحاد جنوب):۱- آرزو می کنم که خداوند سال جدید را سال تغییر و تحول در قلب و دل ما و همچنین تغییر در وضع جامعه قرار دهد. ۲-آرزو می کنم که شعارها و قول های سرکاری در سال جدید به حداقل، کاهش یابد. ۳- آرزو می کنم همه به آرزوهایشان برسند.

آزادی فعالیت روزنامه نگاران



اسکندر احمدنیا (روزنامه نگار بوشهری): آرزوی نوروزی من این است که سال آینده و نوروز آینده یک نوروز پر نشاطی برای تمام ایرانی ها و به خصوص ما بوشهری ها باشد و از خیلی از تنگناها بیرون بیاییم و به یک عرصه جدیدی از شور و نشاط و کامیابی برسیم و برای روزنامه نگاران هم آرزو می کنم که یک عرصه بسیار آزادی داشته باشند تا بتوانند از فرصت هایشان استفاده کنند و همچنان که موثر و تاثیرگذار بودند بدون هیچ گونه مانعی باز هم به کار و فعالیتشان ادامه دهند.

رهایی اندیشه از اسارت جهل

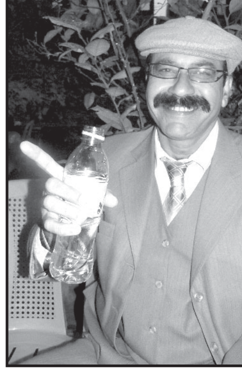


بهرام نکیسا (فعال سیاسی) : ضمن آرزوی سلامتی، تندرستی و سربلندی برای مردم کشور ایران اسلامی. نوروز پیام آور رهایی و نوشدن است. رهایی دانه از اسارت خاک به خواست خداوند رحمان.آرزوی ما نیز رهایی اندیشه انسان از اسارت جهل است تا شاهد شکوفایی خرد در پرتو اندیشه ای نوین باشیم زیرا سعادتمندی انسان در گرو نوشدن اندیشه او است.

نسیم جنوب
بوشهر فردا
شماره ۵۴۰ یکشنبه ۱۸ اسفند ماه ۱۳۸۷
NASIM JANOUB

اندر حکایت
دانا روستایی ساده دل

مهدی جهانبخشان



اندر خیابان بودیم. من و منو. گویی حادثه ای خوش یمن اندر راه بود و گویی خورشید نیز برای این حادثه انوار خود را گرمتر و زیباتر برآدمیان هدیه می فرمود. گفتم: (منو ببین آمدن این سید بزرگوار چه ولوله ای در میان خلایق انداخته. آفتاب را ببین. بوی خوش یاس را استشمام کن. دلپذیری هوا را ببین. آبی آسمان و شوخ و شنگی موج های شیطان دریا را بنگر. این ها همه از آمدن آن سید و پیروزی او ما را خبر همی دهد.) منو گفت یا شیخ:(چقدر ساده ای و چقدر خوش باور و چه سان دسایس و فتنه ها را نمی بینی؟ مگر لبهای آویزان خلایق را رؤیت نمی فرمایی.) گفتم:(ای منو چه شده که تو می بینی ولی دیده من از آن غافل است؟) گفت: (شیخ گرانی آب و برق و تلفن و عوارض و... صد حرف و حدیث دیگر که مردم را نومید کرده.) گفتم: (این خلایق و این جماعت را کسی نتواند مأیوس کردن که خود هزاره ها ست با مشکلات در ستیزند و راه خود را بهتر از من و تو می دانند) منو گفت: (یا شیخ اگر این خیل آدمیان شهر که چنین هزینه ای بر دوش آنان افتاده، روز انتخابات اندر خانه بنشیند و بی تفاوت شوند آن وقت چه گویی؟) گفتم: (منو بدان که مردمان یک خرد جمعند و کس حریف انباشتگی این خرد نشود) منو گفت: (یا شیخ آن طرف خیابان را بنگر، آن روستایی ساده دل را می بینی، بیا با او به گفت و گوی بنشینیم تا حساب دنیا دستت بیاید.) گفتم: (منو چرا با او؟)گفت: (ای جان برادر در شهر قبض آب و برق سر به فلک نهاده اما این روستایی ساده دل را شکر و قند و روغن وغیره و سهامی عدالت داده اند تا ساده دلی چون این روستایی باشد که گمان دارد کسی نگاهی به خاتمی اندازد؟) گفتم: (من که چنین گمان ندارم) بیا با او به صحبت بنشینیم. نزد آن روستایی ساده دل شدیم. گفتم: ای مرد چه در انبان داری؟ با لهجه شیرین روستایی گفت: عدس اِشو دِدِن. آلو اِشو دِدِن. شکر اشودِدِن. کنداشو دِدِن. پیل اشو ددن. گفتم: ای مرد راضی هستی؟ گفت: نه خالو. گفتم: زچه روی؟ گفت: از کیسه خومون در مارن خالو دوراتی می کنن تو کیسه خومون، ئی خالو حَکّ مانن. نِکه ایکه نفت می شیت خارج پیلش کجا می شیت؟ با همی ئی پیلا ئی چیا وامی سنن میدن سی ما. نکه خالو ما گِیا هسیم. بُید سی ما مرسه بسازن، درمونگاه بسازن. آسفالت هُکَنن. فرهنگ ما بیشیت بالا، تا راحت زندگی هُکنیم.
(توضیح مصحح: روستایی به باقرخودرو گفته است عدس به ما داده اند، سیب زمینی داده اند، شکر داده اند، قند داده اند، پول داده اند، و اضافه کرده است که از کیسه خودمان در می آورند و در کیسه خودمان می ریزند. این حق ماست مگر این همه نفت که به خارج می رود پول هایش چه می شود. با همین پول های این چیزها را می خرند و به ما می دهند ما که گدا نیستیم. باید برای ما مدرسه بسازند، درمانگاه بسازند، راه های ما را آسفالت کنند، فرهنگ ما را بالا ببرند تا زندگی راحتی داشته باشیم.)
منو گفت: ای مرد خاتمی را می شناسی؟ گفت: ها خالو سی چه نشناسمش اولاد پیغمبرن. عکل ما اِش برد بالا. فهم ما اِش بُرد بالا. تو دنیا همه احترام ما اِشو می نهاد خالو. همش سی محض خاتمی بید.
(توضیح مصحح: این جا هم روستایی اشاره کرده است که خاتمی عقل ما را بالا برد، درک و فهم ما را بالا برد، جهانیان به ما احترام می گذاشتند و همه به خاطر خاتمی بود.)
گفتم: ای مرد اینها را از کجا یاد گرفته ای. گفت: پسرخوم. دختر ککام. بچه خالوام همه دانشگاه می شن. ئی گپا اونا سیم می زنن گفتم: ای منو حالا دانستی که خلایق چگونه آگاه می شوند و حقایق را در می یابند پس دیگر بر طبل نومیدی موب که وقت تنگ است.

رئیس شورای بخش عسلویه در مصاحبه با نسیم جنوب:

آب مشکل اساسی مردم عسلویه



رئیس شورای بخش عسلویه در گفت و گو با خبرنگار نسیم جنوب با اشاره به مشکلات موجود در منطقه عسلویه، با بیان اینکه، مشکل آب آشامیدنی به عنوان مهم ترین و اساسی ترین نیاز مردم آن منطقه است، گفت: «اولین موضوعی که برای مردم عسلویه جنبه حیاتی دارد، آب است، مخصوصا برای ۲۱ روستایی که جزء بخش عسلویه هستند و آن هم مشکل آب آشامیدنی است و به علت خشکسالی پیاپی آب چاه ها و آب انبارها از لحاظ کیفی و کمی وضعیت بسیار بدی پیدا کرده و مردم در بحران شدید آب قرار دارند و برخی از چاه ها شور و حتی بی آب گشته است هر چند که قول داده بودند که امسال از سد کوثر آب به مردم منطقه برسانند که متاسفانه این خشکسالی به آنجا هم اثر گذاشته بود و امیدی نیست که امسال روستاهای عسلویه بتوانند از خط کوثر استفاده کنند و حقیقتا در حال حاضر مشکل اساسی مردم مشکل آب است.»
پلنگی افزود: «در شهر عسلویه و نخل تقی اخیرا سازمان منطقه ویژه اعلام کرده که در شبانه روز در حدود ۲۰۰۰-۳۰۰۰ متر مکعب آب از آبشیرین کن "نور ویژه" که در اختیار دارند می دهند که به بهای کم شدن آب روستا هاست .»
پلنگی اشتغال را یکی دیگر از مشکلات عسلویه دانست و گفت: «مشکل بعدی مشکل اشتغال است و بسیاری از جوانان منطقه ویژه بیکار هستند و می بینیم که جوانان به صورت روزانه به شرکت ها مراجعه می کنند اما کار به آنها کار نمی دهند.»
وی افزود: «با توجه به اینکه یک اداره کار در سازمان منطقه ویژه ایجاد شد اکثر شرکت ها این بهانه را می آوردند که ما فقط از کمیته اشتغال یا همان اداره کار عسلویه دستور می گیریم در صورتی که اداره کار عسلویه الان هیچ اختیاری از خودش ندارد و نمی توانیم مشکل جوانان منطقه را حل کنیم.»
رئیس شورای بخش عسلویه در پاسخ به این سوال که مصوبه ۵۰ درصد اشتغال نیروهای بومی چقدر توانست به رفع بیکاری منطقه کمک کند؟ گفت: «متاسفانه تاثیر این مصوبه در منطقه خیلی کمرنگ بوده است؛ خیلی از بچه های منطقه تحصیلاتی در سطح دیپلم و بالاتر از آن دارند ولی متاسفانه به کار گرفته نمی شوند.»
پلنگی در ادامه صحبت هایش به مشکل آلودگی محیط زیست به عنوان یکی دیگر از مشکلات عسلویه اشاره کرد و با خطرآفرین دانستن این موضوع برای مردم منطقه اظهار داشت: «مشکل آلودگی محیط زیست این روزها برای مردم حاد شده است؛ افراد مبتلا به مشکلات ریوی، آسم و حتی سرطان یا بیماری ها و حساسیت های پوستی در منطقه زیاد شده اند و مردم با مشکل زیادی روبرو هستند به خصوص اینکه هزینه درمان هم زیاد است ضمن اینکه کلنگ بیمارستان عسلویه حدود ۳-۴ سال پیش زده شد و ۷۰ درصد کار هم انجام شده، ولی نزدیک به یکسال است که کار متوقف شده و دلیل آن هم مشخص نیست.»
وی همچنین با بیان اینکه بسیاری از روستاهای عسلویه فاقد مدارس راهنمایی و دبیرستان هستند عنوان کرد: «بسیاری از روستاهای ما فاقد مدارس راهنمایی و دبیرستان هستند و این مدارس به صورت متمرکز اداره می شود و دانش آموزان باید از چند روستا در یک روستای پرجمعیت جمع شوند و در مقطع راهنمایی و دبیرستان ادامه تحصیل دهند. هر سال سازمان منطقه ویژه در این زمینه کمک می کرد و سرویس های ایاب و ذهاب را برای دانش آموزان و مدیران در نظر می گرفت اما امسال متاسفانه با مشکل مواجه شدند و این کار انجام نگرفت و به علت نداشتن وسیله نقلیه چندین نفر از دانش آموزان ما ترک تحصیل کردند.»
وی خاطر نشان کرد:«منطقه ما منطقه پر ترافیکی ست و به علت استقرار شرکت ها تلفات زیادی در جاده ها داریم و دانش آموزان هم به علت ضعف مالی نمی توانند کرایه خودشان را بدهند چون سرویس هایی که در منطقه مشغول به کار هستند معمولا شرکت ها و منطقه ویژه را در نظر می گیرند و هر سرویسی ۱ میلیون تا ۱/۵ میلیون تومان کرایه می گیرد و توقع دارند که از دانش آموزان هم همین کرایه را بگیرند در صورتی که دانش آموزان از نظر مالی ضعیف هستند و به همین دلیل هم تعدادی از دانش آموزان ترک تحصیل می کنند و اگر این روند در سنوات آتی پیش رود شاید تعداد بیشتری از دانش آموزان نتوانند ادامه تحصیل دهند و این هم برای ما و هم برای دانش آموزان منطقه معضل بزرگی ست.»
او اضافه کرد:«مدیران و مسئولان دولتی بخش عسلویه در حد توانشان تلاش خودشان را می کنند و ما مدیون زحمات آنها هستیم و فرماندار کنگان و بخشدار منطقه افراد دلسوزی هستند ولی اعتبارات محدود است؛ عسلویه که امروز به عنوان قطب و پایتخت اقتصادی شناخته شده ساختار اداری اش در حد یک بخش است و اعتباراتی که از سوی اعتبارات کشوری برای آن پیش بینی می شود به دید یک بخش به آن نگاه می کنند و سهمیه اش را به اندازه یک بخش از بخش های استان در نظر می گیرند در صورتی که عسلویه، شرایط شهرستانی شدن دارد یعنی امروزه امورات عسلویه بوسیله ادارات موجود در سطح بخش امکان رفع و رجوع ندارد و امکان ندارد که مشکلات مردم از آن ناحیه برطرف شود و به همین خاطر نتوانستند در آن حد شاید و باید نقش درستی داشته باشند.»

نیم نگاهی به معضل بی اعتمادی اجتماعی

انتخابات ریاست جمهوری و تفاهم، تعهد و اعتماد اجتماعی

فرخ روزبهی

یکی از آفات اخلاقی جامعه ما که مسایل و مشکلاتی را ایجاد کرده است، خصلت سوء ظن یا بی اعتمادی می باشد. در واحدهای مختلف اجتماعی معمولاً دیده می شود که افراد کمتر به حرف های دیگران اعتماد دارند و اگر هم حرفی را جلوی گوینده، تأیید کنند، بلافاصله پس از رفتن او با نوعی بدبینی و ناباوری با مسئله برخورد می کنند. حتی یک حرف یا حرکت ساده و معمولی ممکن است بعضی را به سوء ظن وادارد که حتماً به زیر کاسه بود نیم کاسه ای.
آن صداقت هایی که روزی اساس بسیاری از مراوده های اجتماعی بود؛ رنگ باخته اند و بی اعتمادی و بدبینی به یک فرهنگ تبدیل شده که خود عامل جدایی و سرد شدن نگاه های افراد جامعه شده است.
آن خیال و وهم بد چون شد پدید / صد هزاران یار را از هم برید
در مناسبات و روابط اجتماعی ما سوء ظن متقابل- حداقل در بعضی امور- در سطح بالاتری نسبت به اعتماد متقابل قرار دارد. اما سعی در کتمان این واقعیت می شود. حتی تظاهر به خلاف آن می شود. تظاهر به صفات نیک به وسیله افراد، این بدبینی را تشدید می کند. میزان اعتماد به مخاطب در اکثر موارد، کمتر از آن چیزی است که، نشان داده می شود و این که در روابط اجتماعی هر کس می کوشد خود را قابل اعتماد جلوه دهد؛ این نیز در غلظت جو سوء ظن و بی اعتمادی اجتماعی مؤثر است.
البته منظور از اعتماد و تعاون اجتماعی تنها آن نیست که تقسیم کاری شده باشد، یکی نجار باشد، دیگری کشاورز، سومی آهنگر و خلاصه هر کسی به شغلی و محصولی کار خود را مبادله کنند تا چرخ اجتماع بچرخد. اگر نوعی همبستگی روانی، اشتراک آرزو، هدف و فکر نوعی توام با اعتماد در میان نباشد؛ جامعه به یک بازار داد و ستد خشک (مبادله صرف اقتصادی و چه بسا کاسب کارانه) تبدیل می گردد که در آن ذره ای شدن و ارضاء نفع شخصی کعبه آمال هر کسی خواهد شد.
اما بی اعتمادی که خود معلول عوامل گوناگون است؛ در سست کردن پایه های نظام اجتماعی به صورت یک متغیر مستقل عمل نموده و هزینه های هنگفتی را به کشور تحمیل می کند، تا جایی که اقتصاددانان صحبت از افزایش هزینه معاملات می کنند. یعنی در شرایطی که اعتماد اجتماعی وجود ندارد، انواع مکانیسم های اطمینان (قولنامه، چک، سفته...) لازم است تا قرارداد ها و معاملات کوچک و بزرگ انجام گیرند. این مکانیسم های اطمینان هزینه معاملات را بسیار بالا می برد تا جایی که گاه روابط و قراردادهای اجتماعی اقتصادی تجاری غیرممکن می شود.
مجموعه عواملی که در بالا- هر چند به اختصار- مورد بررسی قرار گرفتند؛ موجب بی اعتمادی بیشتر و در نتیجه افت کارایی و کارکرد نظام اجتماعی کل می شود. لذا باید چاره ای اندیشید تا تفاهم، تعهد و اعتماد اجتماعی دو جانبه تعمیم یافته مبتنی بر نظم درونی ونه نظم بیرونی (= سیاسی) و نیز همدلی ملی و طراوت فرهنگی به جامعه باز گردد. این همه با توصیه، موعظه و وعده و وعید- حتی اگر لازم باشد- میسر نمی شود. باید اقدامات اساسی و سنجیده صورت گیرد.
این ایام که به انتخابات ریاست جمهوری نزدیک می شویم، فرصتی مناسب برای اعتماد سازی و دلجویی از مردم فراهم شده است. کافی است از دادن وعده های رنگارنگ، متعدد و بعضاً بدور از واقع (وعده های نفتی، پنجاه هزار تومانی...) پرهیز شود. به کسانی اجازه حضور و فعالیت در این انتخابات داده شود که نماینده تمام گرایش های موجود در جامعه باشند. کسانی که صداقت، تعهد، کارآمدی، لیاقت و برنامه جامع و اصولی داشته باشند. حاکمیت قانون در تمامی مراحل انتخاباتی باید برقرار شود. یعنی برخورد برابر قانون با افراد، صرف نظر از موقعیت اجتماعی آنان و در این شرایط است که با ظهور مجدد اعتماد اجتماعی متقابل، زمینه برای همکاری و مشارکت اجتماعی که خود پیش شرطی است برای اصلاح و توسعه اجتماعی در همه زمینه ها، فراهم می شود. در غیر این صورت همه ما به سوی مشکلاتی کشیده می شویم که در آن نقش داشته ایم.
چشم باز و گوش باز و دام پیش / سوی دامی می پرد با پرخویش

آبدان، شهری در افق توسعه

به بهانه بازدید روزنامه نگاران خانه مطبوعات از شهر آبدان

حسین حشمتی



همکار فعال و روزنامه نگارمان ابراهیم دانش دوست که پایگاه خبری معروفی هم دارد از خبرنگاران استان دعوت کرده بود از شهر آبدان دیداری داشته باشند که به دلیل مشغله های کاری فرصتی دست نمی داد تا آنکه بازدید از مجتمع های گازی و پتروشیمی های پاسارگاد هم مزید بر علت شد و بالاخره در یکی از ایام هفته گذشته در معیت جمعی از همکاران روزنامه نگار خانه مطبوعات به دعوت شهرداری آبدان راهی آن دیار شدیم .
شهر آبدان در فاصله ی ۱۸۰ کیلومتری مرکز استان و درمسیر بزرگراه بوشهر، عسلویه ، هرمزگان قرار گرفته، احتمالا به اعتبار «پرآب» بودنش آبدان نامیده شده و به دلیل تولید انبوه و با کیفیت گوجه فرنگی هایش از شهرت خاصی در بیرون و درون استان نیز برخوردار می باشد.
مختار چتر سنجی رئیس شورای شهر طی دیداری که در ساختمان شهرداری با خبرنگاران داشت، اعلام نمود شهر آبدان دارای هفت هزار نفر جمعیت است که در سال ۱۳۷۹ ، از دهستان به شهر ارتقاء یافته و غیر از شهرداری و پاسگاه نیروی انتظامی و چند بانک هنوز ادارات دیگری در آن دائر نگردیده و حال آنکه به دلیل واقع شدن در مسیر جاده اصلی و همچنین استعداد کشاورزی و مزارع گوجه فرنگی و گنبد نمک روستای جاشک دارای جاذبه گردشگری است که بیش از اینها باید مورد توجه مدیران ارشد استان قرار گیرد.
خبرنگاران اما بیشترین سوالات را از مهندس محمد دوست رئیس جهاد کشاورزی شهرستان دیر پرسیدند که فعالانه همه جا همراه آنان بود، به گفته ی او، از مجموع ۴۰۰ هزار تن محصول گوجه فرنگی شهرستان مقدار ۱۵۰ هزار تن آن در مزارع آبدان به دست می آید و ارزش اقتصادی آن در حدی است که حدود ۷۰ درصد معیشت اهالی منطقه از آن محل تامین می گردد، مضافا به اینکه در مراحل کاشت، داشت و برداشت محصول حدودا دو هزار و پانصد نفر مشغول به کار می باشند که اگر دستمزد هر نفر کارگر را روزانه هشتاد هزار ریال محاسبه کنیم، پی به ارزش بالای این محصول خواهیم برد، وی اضافه کرد حدود ۲۲ هزار هکتار از اراضی به گشت گندم و جو اختصاص داده شده که در سالهای «نز آبی» پنج هزار تن مازاد مصرف کشاورزان به دولت فروخته می شود ولی امسال به علت خشک سالی و کم آبی محصول گندم و جو مانند سایر نقاط کشور دجار افت تولید می باشد.
البته خبرنگاران سوالات زیادی از رئیس کشاورزی دیر پرسیدند که ذکر همه ی آنها در این مقاله لزومی ندارد، بلکه آنچه مهم است آن است که گویا مهندس شفقت استاندار بوشهر هم پی به ارزش کشاورزی این منطقه برده باشد چون چند ماه پیش، ضمن مصاحبه ای با صدا و سیمای بوشهر در مورد طرح فراگیری صحبت کرد که به موجب آن تمام عوامل اندرکار از مرحله ی کاشت تا تولید و توزیع دیده شده اند و هدف از اجرای آن کوتاه شدن دست واسطه ها و در نتیجه افزایش درآمد کشاورزان گوجه کار می باشد که معلوم نیست اجرای آن پروژه در چه مرحله ای است؟ مسلما چنانچه آن طرح اجرائی گردد علاوه بر افزایش سود کشاورزان، وضعیت اشتغال نه تنها در بخش کشاورزی که در سایر بخش ها نیز افزایش خواهد یافت.
با کشاورزان آبدانی هم ضمن بازدیدی که در یکی از مزارع گوجه فرنگی داشتیم گفتگوی مختصری کردم. ماحصل آنکه تقاضای عمده ی آنان این بود که شهر آبدان به بخشداری ارتقاء یابد و می گفتند تقاضائی در این مورد به مقامات مسئول داده اند ولی هنوز جوابی نرسیده است. وقتی پرسیدم بخشداری چه کاری برای شما می تواند انجام دهد؟ متعصبانه گفت شهر من با این موقعیتی که دارد باید پیشرفت کند و یکی از اهرم هائی که می تواند ما را به سر منزل مقصود برساند ارتقاء سطح دستگاههای حکومتی و اجرائی است و بعد هم تلاش مستمر خودمان. به او قول دادم پیامش را برسانم .
بهر تقدیر بازدید هیات مطبوعاتی از شهر آبدان که برای سه ساعت پیش بینی گریده بود تا پنج ساعت طول کشید و باعث شد ما از برنامه ی بعدی که بازدید از مجتمع پتروشیمی های پاسارگاد در عسلویه بود عقب افتادیم و آن برنامه مهم به علت ضیق وقت بطور ناقص اجرا گردید که امیدوارم در فرصت مناسب دیگری با همکاری مسئولین روابط عمومی از آنها نیز بازدید و گزارش تهیه شود.

یادداشت های یک همشهری

خبرهای خوش

دکتر محمد جعفر ایزد پناه



بالاخره پس از چندین سال ناکامی و شنیدن اخبار منفی و متناقض، گویا خبرهای خوشی قرار است رخ دهد. گرچه تعدادی در حد شایعه هستند ولی تأیید همین خبرهای درگوشی از طرف منابع موثق و نزدیکان خبرسازان، خود نویدبخش زدودن اندکی از تلخکامی های سال اخیر است. باشد که در آستانه سال جدید شاهد افزایش رخدادهایی از این قبیل باشیم.
اول این که رایزنی های پشت پرده آیت الله کروبی گویا پاسخ داده و با توافق ریاست صدا و سیما و مجلس امکان راه اندازی یک کانال تلویزیونی خصوصی متعلق به اصلاح طلبان فراهم آمده، چهره های سرشناس که به لطف صدا و سیمای ملی، سالها در محاق توقیف بودند بالاخره بدون واسطه، امکان برقراری ارتباط با مخاطب ایرانی راه یافته اند و به لطف این توافق، اکثریت خاموش که در سالهای اخیر با صندوق های رأی قهر کرده اند، صاحب یک تریبون سراسری شده اند. حال به جای آن که برای اطلاع از نقطه نظر کارشناسان اصلاح طلب و منتقد متوسل به رادیو و تلویزیون های بیگانه بشویم، یا برای گذر از سه فیلترنیگ روزهای متعدد بدنبال یافتن سایت های فیلترشکن باشیم، یا چشم انتظار این باشیم که سالها بگذرد و یک فعال منتقد سیاسی به شهرستان بیاید و بدون ترس از برهم خوردن جلسه، امکان شنیدن نقطه نظراتش را داشته باشیم، براحتی می شود در خانه نشست و با سایر همفکران از طریق تلویزیون تبادل نظر کرد. جا دارد به آقای کروبی بابت پشتکارشان دست مریزاد گفته شود.
دوم اینکه بالاخره پس از سالهای تبعیض در عرصه رسانه ای کشور، گویا مجوز چند نشریه برای احزاب تحول خواه کشور در حال صادر شدن است از جمله ماهنامه ایران نوین به صاحب امتیازی عزت اله سحابی و هفته نامه چراغ به صاحب امتیازی محمد زیدآبادی در آستانه انتخابات دهم از جمله این نشریات هستند. این سعه صدر مسئولین و گشایش فضای سیاسی کشور را به فال نیک گرفته، احتمالاً تصمیمات اخیر مسئولین در گرم شدن فضای انتخاباتی کشور کمک قابل توجهی می کند.
سوم اینکه از طرف دولت، لایحه ای در دست اقدام است که در صورت اجرای آن برای جلوگیری از ورشکستگی و تعطیلی اصناف و بازاریان بدنبال رکود بی سابقه اقتصادی و عدم امکان پرداخت مطالبات بانکی از طرف بنگاههای کوچک اقتصادی دولت این وامها را به وامهای بلند مدت با اقساط کوچک تبدیل می کند. این اقدام بدنبال تلاش سایر کشورها در راستای حمایت از اصناف صورت گرفته، همان گونه که دولت های ژاپن و آلمان در ماههای اخیر با پایین آوردن سود وام های بانکی و تزریق نقدینگی به صنعت کشور، باعث کاهش نرخ تولید کالای مصرفی وافزایش قدرت خرید مشتریان شده اند، دولت نهم نیز با استفاده توصیه های کارشناسان اقتصادی کشور تصمیم اخیر را گرفته اند. در آستانه سال نو این اقدام کمک زیادی به رونق بازار ایران خواهد کرد.
چهارم اینکه بدنبال شکایت مدیر سایت تابناک از حسین شریعتمداری سردبیر روزنامه دولتی کیهان، بنا به حکم دادگاه مدیر مسئول کیهان مجرم شناخته شده و احتمالاً طبق حکم صادره ایشان به انفصال از خدمات دولتی و یکسال حبس تعلیقی و پرداخت ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم شوند. بالاخره کوزه گر نیز در کوزه افتاد، آقای حسین شریعتمداری که تا پیش از این سعی زیادی در پرونده سازی برای همکاران مطبوعاتی و ابراز شادمانی از توقیف نشریات غیر همسو داشته، این بار خود درگیر پرونده سازی توسط هم فکران خود شد.
پنجم این که بنا به اظهارات مسئولین ارشاد استان بوشهر در آستانه سال نو با برگزاری کنسرت موسیقی محلی از اقوام مختلف ایرانی به پیشواز نوروز رفته این کنسرت که در تاریخ ۲۴ الی ۳۰ اسفندماه در فضای باز ساحلی برگزار خواهد شد فرصت خوبی برای زدودن غبار غم از دلهای خسته همشهریان را فراهم خواهد کرد .سلام بر بهار نامی است که مسئولین ارشاد استان برای این جشنواره موسیقی انتخاب کرده اند.
ششم این خبر که احتمالاً برای جوانان بوشهری بسیار غیرمنتظره است را نیز بخوانید. در ۳ روز آغازین سال نو از طرف تهیه کننده موفق جشنواره ای که چندین پیش در سالن تربیت معلم بوشهر برگزار شده بود از خواننده مطرح کشور رضا صادقی دعوت به عمل آمده، هماهنگی های نهایی برای برگزاری این کنسرت در سالن مجتمع هنری به عمل آمده، علاقه مندان پیش بینی می کنند با توجه به محبوبیت این خواننده استقبال خوبی از آن به عمل خواهد آمد. از قدیم گفته اند آرزو بر جوانان عیب نیست و روانشناسان هم توصیه می کنند برای فرار از فشارهای روحی، روزانه دقایقی را به عالم خیال پناه ببرید و هر چه را دوست دارید تصور کنید. اشتباه نکنید هیچ کدام از خبرهای بالا راست نیست قرار هم نیست اتفاق بیافتد ولی تصورش هم برای جوان ایرانی لذت بخش است. امروز هر چه روزنامه ها را بالا و پایین می کردم بلکه خبر خوشی از آن بیرون بیاورم نشد، تصمیم گرفتم خیالبافی کنم و خودم خبرهای مورد علاقه ام را بسازم. چه اشکال دارد اگر محیط بیرون را از ما گرفته اند ذهنیتمان را که نمی توانند بگیرند. ولی خدا وکیلی این خبرهایی که خواندید کدامشان خلاف قانون و شرع و عرف هستند که ما اینگونه برای رسیدن به آنها باید به عالم خیال پناه ببریم.

۵

بزرگان فوتبا ل بوشهر مقابل تیم هنرمندان

به مناسبت ۱۸ اسفند روز بوشهر، روز بزرگان فوتبال بوشهر به دیدار هنرمندان خواهند رفت. این دیدار دیدنی و به یاد ماندنی، روز جمعه ۲۳ اسفندماه ۸۷ راس ساعت ۱۵ بعداز ظهر در استادیوم شهید بهشتی بوشهر برگزار خواهد شد تیم بزرگان یا همان پیشکسوتان بوشهر متشکل از بازیکنان دو تیم قدیمی بوشهر یعنی شاهین و ایرانجوان خواهد بود که برابر تیم فوتبال هنرمندان قرار خواهد گرفت. حضور بوشهری ها در این دیدار نشان علاقه به خاک خورده های فوتبال است.



۴

پاداش وزیری به ایرانجوانی ها

مثل اینکه قدم علی وزیری در بازی سنگین ایرانجوان و مقاومت تهران خیلی سبک بود. پیروزی بوشهری ها در این نبرد آنها را به صعود امیدوارکرد. پس از بازی مدیر عامل اسبق ایرانجوان فوتبالیست های ایرانجوان را به ضیافت شام دعوت نمود و به همه ی آنها پاداش ویژه ای هدیه داد. وی در پایان به بازیکنان گفت: در صورت صعود به لیگ ۱ فوتبال ایران پاداش نفیسی در انتظارش خواهد بود.



۳

توپ جمع کن بوشهری هم کتک خورد

پس از نمایش زشت دروازه بان ابومسلم خراسان در بازی با پرسپولیس تهران که با بدترین شکل توپ را به صورت کودک یتیم یعنی توپ جمع کن زد. این بار در بوشهر، بازیکن مقاومت در دقایق پایان بازی با ایرانجوان، زمانی که توپ جمع کن بوشهری خواست توپ را به بازیکن تهران بدهد او با یک لگد به پای نوجوان توپ جمع کن را نوازش داد تا نشان دهد فرهنگ واخلاقیات ورزشی پیشرفت کرده!



۲

تماشاگران شیراز بر عکس بوشهری ها

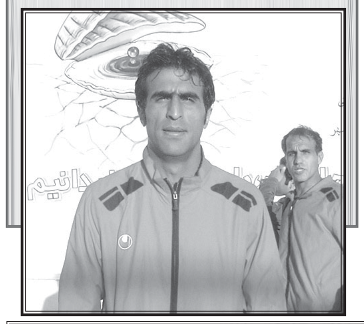
در خبرها و روزنامه های ورزشی، خبرهایی به گوش رسیده که تماشاچیان شیرازی از باخت های تیم برق حسابی کلافه شده و ناراحتی خود را بر سر بازیکنان بوشهری تیم برق خالی کردند. وبگو مگوی تندی بین آنها صورت گرفت. در این خصوص محسن قائدپوری بازیکن بوشهری تیم برق به خبرنگاران گفت: بعد از رفتن محمد عباسی تماشاچیان با ما بدرفتاری کردند که در بازی با پیکان قزوین این بی احترامی ها به اوج خودرسید. آنها برعکس تماشاچیان بوشهری هستندو بومی ها را دوست دارند اما بوشهری ها غریب پرست.



۱

کاپیتانی رضا خدری خوش یمن بود

رضا خدری یکی از مدافعان پر تلاش اما بدشانس تیم فوتبال ایرانجوان که هنوز در فوتبال بوشهر به حقش نرسیده در بازی مقابل تیم مقاومت تهران، بازو بند کاپیتانی را بر بازو بست، این بازیکن در طول نود دقیقه که به سود ایرانجوانی ها تمام شد از لحاظ اخلاقی و فنی نمره قبولی گرفت. هر چند که در پایان بازی، نمایش زیبایی به اجرا گذاشته نشد.



دبیر صفحه:
مهدی صالحی زاده



فقر مالی، شاه بیت مشکلات فوتبال امروز!

این نوشته تقدیم می شود به حمید کللی و شاگردان غیرتمندش بویژه رضا بازیاری

قاسم مهدی زاده (مدیر و رابط عمومی شاهین)



مسائل مالی اینک تبدیل به پاشنه آشیل و چشم اسفندیار فوتبال ایران گردیده و همانند شمشیر داموکلس کله کچل این فوتبال را نشانه رفته است. این مشکل مختص فوتبال ایران نیست به دلیل هزینه بالای فوتبال به طور کلی در تمام جهان وضع به همین گونه است اما هر جا که دولتها با درک اهمیت این ورزش آن را مورد حمایت جدی و تمام و کمال خود قرار داده اند این رشته ورزشی که در میان جوانان محبوبیت ویژه ای دارد سریعاً پیشرفت کرده است. نمونه های ژاپن و برخی شیخ نشین های خلیج جاویدان فارس مثالهای خوبی هستند. کشوری کوچک نظیر بحرین که مجموع جمعیت بومی آن به ۵۰۰ هزار نفر نمی رسد هم اکنون با فوتبال ما شانه به شانه می زند. این وضع هیچ دلیلی ندارد بجز حمایت های گسترده دولت این کشور از این ورزش. می توان با جرأت ادعا کرد که اگر تیم ملی بحرین ۴۰ سال پیش به بوشهر می آمد، تیم کلنی بوشهر آن را به راحتی شکست می داد. البته من شک دارم که چهل سال پیش این کشور می توانست ۱۸ بازیکن در حد یک تیم ملی را از میان جمعیت خود برگزیند. به هر حال دولتها به دو شکل فوتبال را مورد حمایت قرار داده اند، یکی مستقیم و با ساختن ورزشگاه و پرداخت وام های بلاعوض و دیگری از طریق ایجاد بسترهای مناسب برای درآمدزا شدن باشگاه های خود.

دولت با یک حساب ساده می تواند دریابد که فوتبال چه خدمت شگفت انگیزی به جامعه می کند. اگر نفر به ساعت محاسبه کنیم خواهید دید که در یک فصل چه مقدار ساعت از وقت جوانان در ورزشگاه یا فوتبال کردن یا بحث در خصوص فوتبال یا مطالعه نشریات ورزشی صرف می کنند، این اوقات را که از میلیاردها دقیقه (با محاسبه نفر به ساعت) نیز می گذرد اگر از دیگر اوقات آن ها کسر کنیم خواهید دید که به چه میزان از آلودگی ها کاسته می شود. بعد از این مقدمه به آن چه که مربوط به بحث ماست یعنی موسسه فرهنگی – ورزشی شاهین می پردازیم. که علی رغم «صلح نامه» با پارس جنوبی همواره درگیر مشکل های مالی است که البته بدون این که قصد نادیده گرفتن خدمات ارزنده جناب دکتر رضوی داشته باشیم، باید بگوییم که هم اکنون و در سه بازی مهم بیرون از خانه که یکی از آنها تقریباً ختم بخیر شد هم اکنون برای برگزاری دو تای دیگر سرمربی تیم به شدت نگران اقساط قرارداد شاگردانش می باشد و مدیرعامل باشگاه که از صبح تا پاسی از شب در پی پاسخ دادن به طلبکاران سابق و لاحق است. سرمربی باید وقت گرانبهای خود را صرف ارزیابی حریفان و توجیه فنی شاگردانش کند یا پاسخگویی برای عدم پرداخت اقساط قرارداد و مدیرعامل باشگاه که باید وقتش را صرف سازماندهی امور مختلف موسسه شاهین کند، می بایست پیوسته نگران پول برای امور مختلف از طلبکاران گرفته تا تکمیل ورزشگاه اختصاصی شاهین و دیگر امور باشگاه باشد. به همه این مشکلات می بایست حاشیه سازی های ناجوانمردانه حریفان نیز اشاره کرد که یکی از آنها دوپینگ بازیکنان را مطرح می کند و دیگران که هر یک به نوعی سعی در گل آلود کردن آب را دارند. اما آن چه مسلم است جناب آقای دکتر رضوی با درک وضعیت کنونی شاهین و تکمیل کارهائی که قبلاً انجام داده، به طور حتم در این چند روز باقیمانده تا پایان سال و گذراندن پیروزمندانه این دو بازی مهم بیرون از خانه باز هم شاهین را یاری خواهد کرد و سرمربی فهیم و هزاران تماشاگر مشتاق به دست آورده اند، به راحتی از بین برود. این جوانان برومند و سرمربی و کادر فنی آگاه آنها و همراهان تیم، اجازه نخواهند داد، مشکل مالی، این موقعیت بی نظیر را از آنها بگیرد. با تلاش آنها و جناب آقای رضوی و مدیر عامل پاک باخته شاهین و هزاران هوادار مظلوم شاهین و با یاری خداوند جان و خرد شاهین با سربلندی، این سال را بپایان خواهد برد و همگان خواهند دید که حداقل در این روزهای حساس و سرنوشت ساز، پول، مغلوب همت، غیرت و وجدان خواهد شد. این را حمید کللی و یارانش اثبات خواهند کرد.

یاداشت دبیر صفحه :

هر وقت گل می زنند به نیکی از آنها یاد می شود اما اگر بازیکن ولایت خودشان موقعیت گلزنی را به هدف نمی زند داد وهوار بر سر پاس دهنده بلند بود. اگر پاس دهنده یک بوشهری بود که واویلا . چندی است که تماشاگران تیم برق شیراز، بدجوری به پرو پای بازیکنان بوشهری تیم فوتبال برق (محسن قائد پوری، رضا و مسعود نظرزاده) می پیچند. این مسئله از روزی به خود شکل گرفت که مدیریت تیم برق در لیگ برتر به اوج روزهای خود رسید.برخورد شیرازی ها زیبنده و قابل گذشت نیست و نخواهد بود. هفته پیش قبل از بازی برق و پیکان قزوین تماشاچیان کاکو به سه بوشهری فوق فحاشی کرد و نهایت بی احترامی را به آنها روا داشت. این مسئله را از روی تعصب عرض نمی کنم همه قبول دارند که بوشهری های حاضر در تیم برق از لحاظ اخلاق و معرفت بسیار خوب ونجیب هستند. ولی حرکات و ادبیات شیرازی ها عجیب است. امیدواریم که بزودی تیم در لیگ برتر نصیبمان شود. تا شاهد بی احترامی به بوشهری ها نباشیم .ای کاش شیرازی ها به مانند بوشهری ها به غیربومی ها احترام می گذاشتند.

بازیکنان بوشهری نجیب، تماشاگران شیرازی عجیب



بسیج عمومی تبریزی ها هم شاهین راشکست نداد

ماشین سازی تبریز ۰
شاهین پارس جنوبی بوشهر ۰

داور:سید علی– اخطار: رضا بازیاری

شاهین بازی عقب افتاده از هفته اول دور برگشت را جمعه گذشته در شهر تبریز و استادیوم ورزشی تختی که ۱۲ هزار نفر را در خود جای داده بود، برگزار کرد و با نتیجه مساوی کار خود را به پایان برد.این مساوی در حالی برای تبریز رقم خورد که شب قبل مسابقه تمام مسولین استانی به خصوص استاندار آن ولایت با در نظر گرفتن پاداش های بزرگ (که امیدواریم مسئولین بوشهری هم یاد بگیرند) برای ماشینی ها می خواستند اسباب شکست شاهین را فراهم سازند. اما دلیر مردان جنوب که تا کنون از هیچ گونه تلاشی جهت سربلندی شاهین دریغ نکرده اند و در میان فحاشی و اذیت و آزار بسیار در زادگاه شهریار، بهترین سوغات را برای بوشهری ها که همان خبر تساوی بود ارسال کردند. به امید این که جمعه آتی مقابل مس رفسنجان، پیروز میدان باشند تا با افتخار بگوئیم زنده باد فوتبال بوشهر.



پرواز شاهین با بالهای توانای خود به لیگ برتر

علیرضا محمدی



تجربه تلخ شاهین ۲ میلیاردی و سلام و صلوات برای ماندن در لیگ دسته اول درس های آموزنده ای برای مدیران جدید باشگاه پرطرفدار شاهین بوشهر به همراه داشت. بعد از آن بازیکنان جوان و جویای نامی که خود در تیم گذشته شان مهره هایی کارآمد بودند و منتظر زمانی که بتوانند کیفیت بازی خود را بهتر به نمایش بگذارند به شاهین جذب شدند تا مهره های سوخته ناکارآمد پا به سن گذاشته اسم و رسم دار، دیگر جایی در تیم نداشته باشند، تا جبهه گیری های خاص و در مواردی مشکوک در درون تیم صورت نگیرد.از دیگر عوامل موفقیت های شاهین می توان به درایت حمید کللی فر سرمربی ای که این بار دیگر آمده تا ناگفته های بسیاری را در عمل ثابت کند و شناخت خوب وی از سطح انتظارات جامعه بوشهر و طرفداران باشگاه، با بیان جملاتی از قبیل «ما تلاشمان را می کنیم ولی برای صعود قولی به کسی نداده ایم» عملاً برخلاف سرمربی برکنار شده سال گذشته که گفته بود «ما حتماً در بین ۴ تیم بالای جدول جا داریم» انتظارات را در حد مناسب نگه داشت...

در هر حال مدیریت باشگاه نیز با حمایت پیشکسوتان باشگاه و مردمی بودن توانست محبوبیتی مضاعف دربین هواداران کسب کند و تیم نیز با کسب نتایج درخشان و جمع آوری امتیازات مناسب و فاصله گرفتن از رقیب اصلی اش تراکتورسازی تبریز که این روزها با ترفندهای غیر ورزشی سعی در تضعیف شاهین بوشهر دارد از مربی پرحاشیه و جنجالی این تیم تبریزی «فراز کمالوند» و اظهارنظرهای مشکوک وی درخصوص صعود به لیگ برتر تا عنوان کردن تهمت دوپینگی بودن تیم شاهین تأثیرگذار باشد. شاهین اما خودش قصد پرواز به لیگ برتر دارد و می دانیم تنها در میدان رقابت و مستطیل سبز باید خودمان آن قدر قوی باشیم و جای هیچ اما و اگری باقی نگذاریم چون همه جریانات را دیده و شنیده ایم!

گر چه در تمام اظهارنظرهای سرمربی محترم شاهین و چشم های امیدوار هواداران، انتظار حمایت بیشتر از سوی مسئولان استان به چشم می خورد که در این خصوص حمایت فراوان دکتر رضوی را همیشه داشته ایم و این حمایت می تواند از سوی نماینده مجلس و استاندار نیز صورت پذیرد. قدردانی از تلاش و نتایج درخشان تیم شاهین و پاداشی در خور شأن لیگ یک که در هر بازی با جذب حدود ۱۰ هزار هوادار جوانان شهر را به ورزش هدایت می کند، دور از انتظار نیست. امیدواریم در آستانه عید نوروز خبرهای خوشی در خصوص پاداشی مناسب به بازیکنان و کادر فنی تیم شنیده شود.

مقاومت پایتخت در بوشهر شکست

ایرانجوان بوشهر ۱
مقاومت شهید بروجردی تهران ۰

گل:مهدی سیفی(۳۸ پنالتی)

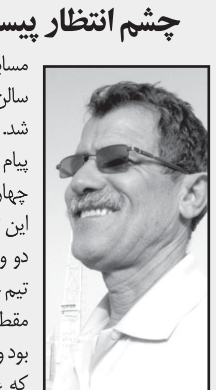
داور: البرز حاجی پور– اخطار:امین، جنامی، سیفی و کوزه گر از ایرانجوان– اخراج: مهدی عینی(۸۲) و امین گیوه ای(۵+۹۰)از ایرانجوان–سید بهمن حسینی (۵+۹۰) از مقاومت

شیر مردان ایرانجوان در یک بازی نفس گیر، پر برخورد وسرنوشت ساز با یک گل مقاومت تهران را با شکست روانه پایتخت کرد. متاسفانه در این نبرد و پس از آن خبری از فر پلی و اخلاقیات نبرد تهرانی که آمده بودند به هر صورت که شده سه امتیاز جنوبی را به خورجین خود سرازیر کنند، دست به هر کاری می زدند. از فحاشی گرفته تا لگد زدن به توپ جمع کن! شاید تحقیر بود بازیکنان مقاومت، رشته ورزشی تمام فیزیکی مثل راگبی را انتخاب می کردند. آنها با حربه های روانی و نشان گرفتن ساق بوشهری ها دوست داشتند بازی را به حاشیه ببرند که این امر حاصلی برای آنها از لحاظ امتیاز در بر نداشت. فقط زرنگی آنها باران کارت زرد و قرمز را به بار داشت. حال برای صعود سرخ جامگان دیار غربت، فقط پیروزی مقابل آرد گلستان نیاز است که امید است با پاداشی که به سوی آنها ارسال خواهد شد این امر میسر شود.



احمد نوشادی مربی تیم دو ومیدانی پیام مخابرات بوشهر

چشم انتظار پیست تارتان هستیم



مسابقات بین المللی دو و میدانی داخل سالن که چندی پیش در تهران برگزار شد. تیم های مردان و بانوان باشگاه پیام مخابرات بوشهر به مقام های چهارم و سوم شد. احمد نوشادی مربی این تیم به خبرنگار ما گفت: مسابقات دو و میدانی داخل سالن با حضور ۱۰ تیم خارجی و داخلی انجام گردید که در مقطع آقایان اگر کمی شانس با ما یار بود و با کسب یک طلا، دوم می شدیم که عدم این کار ما را چهارم کرد. در مسابقات بانوان، بوشهری ها شاهکار کردند و در رقابت با دیگر شرکت کننده ها عالی کار کردند و پس از تیم کویت به مقام سوم نایل شدند. وی سطح مسابقات را خوب توصیف کرد و برای بهتر ظاهر شدن تیم پیام در مسابقات آتی،پیست تارتان نیاز است که متاسفانه سالها ما چشم انتظار «تارتان» هستیم. وی در پایان پیشاپیش عید نوروز را به همه ایرانی ها بخصوص بوشهری ها تبریک گفت و سلامتی و بهروزی همه را از خدا طلب نمود.

الله مانی رییس انجمن فوتبال فدراسیون جانبازان و معلولین ایران

در بوشهر همه چیز خوب بود



به پیشنهاد هیات استان بوشهر جانبازان و معلولین تیم ملی فوتبال بوشهر برگزار شد. علی بکاء به عنوان ماهینی و عبدالرضا عنوان بازیکن در داشتند. این اردو که گذشته به پایان بود. امین الله مانی فدراسیون جانبازان رابطه به خبرنگارما خوب بود هوا و جانبازان و معلولین به فدراسیون کشور اردوی هفت نفر ایران در از استان بوشهر، مربی و اردشیر کریمی زاده به این اردو شرکت چهارشنبه هفته رسید. بسیار عالی رییس انجمن ومعلولین در این گفت: همه چیز برگزاری امتحانات خوب بوشهر بود. البته باید میهمان نوازی بوشهری ها هم به این فاکتور اضافه می کنم .این اردو برای شناخت بازیکنان جدید و چهار مربی حاضر در اردو تشکیل شد. در سال آینده با برپایی اردوهای دیگر خود را برای مسابقات بین المللی و آسیایی چین آماده خواهیم نمود.

محمد میهن دوست مربی تیم ملی دو ومیدانی ایران

بار دیگر رکورد پرش طول ایران شکسته خواهد شد



محمد میهن دوست مربی بوشهری تیم ملی دو و میدانی ایران (ماده پرش طول) در مسابقات بین المللی دهه فجر که در تهران انجامید . شاگردش محمد ارزنده به مقام اول رسید. میهن دوست در خصوص مسابقات داخل سالن به خبرنگار ما گفت: بازی ها در سطح بسیار خوب برگزار شد. محمد ارزنده در ماده پرش طول با اختلاف ناچیزی با پرنده کویتی دوم شد. وی دلیل عدم کسب طلای این مسابقات توسط ارزنده آماده نبودن بدن ایشان بوده، بدن محمد در حال کارهای قدرتی بود روی کارهای انفجاری کمتر تمرکز کرده بودیم . ولی به خاطر این که در رقابت ها حاضر باشد شرکت کرد شما شک نکنید که اگر اتفاق خاصی برای او پیش نیاید بار دیگر رکورد پرش طول ایران را خواهد شکست. وی هم اکنون در بوشهر در حال تمرین است و با جدیت کار خود را دنبال می کند.

یاداداشت ورزشی

شاهین را از تیر شکارچیان مصون بداریم

علیرضا بازدار

موفقیت شاهین بوشهر در بازیهای این فصل پیام مهمی برای فوتبال ما در بر خواهد داشت. پس از مدت ها وقفه بار دیگر اندیشه ی اخلاق درس و ورزش را در جامعه تداعی خواهد بخشید. مردم ما هرگز از رفتن فرزندان خویش به ورزشگاه ها در هراس نخواهند بود زیرا تفکر سازماندهی شده ای هر چند نوپا ولی عمیق می خواهد به فوتبال ما بگوید که:" ما می خواهیم بهترین تماشاگران ایران باشیم".

خروش شاهین ما در لیگ امسال نشات گرفته از تاریخ سراسر مبارزه با سختی و مشکلات روزگاران است، روزگاری که نتیجه بازی در زمین رقم نمی خورد ؛بلکه در پشت پرده آنجا که ناپاکان اقدام به ضربه زدن به موجودیتی داشتند که شجره ای طیبه و نجات بخش بود.

در قرن بیست و یکم مهمترین عاملی که می تواند در کنار اصول مدیریت باعث موفقیت یک گروه یا سازمان شود هماهنگی مدیریت و رهبری است، موضوعی که خوشبختانه شاهین امروز در کادر فنی خود از آن برخوردار است. موهبتی که همگان از آن بهره مند نیستند.

مباحثی که امروزه می تواند شاهین ما را از گزند حوادث مصون دارند عبارتند از :

۱ – حضور گسترده ی تماشاگران ازاقصی نقاط استان در دیدارهای خانگی.
۲ – حمایت همه جانبه مسئولین استان.
۳ – پرداخت به موقع مطالبات بازیکنان و کادر فنی.
۴ – تلاش برای تقویت همکاری تیمی «Team Work» در تمرینات.
۵ – حمایت هیات مدیره از کادر فنی به خصوص شخصیت و کاریزمای سرمربی باشگاه.
۶ – مردم، تشنه ی صداقت و صمیمت اند. حضور مردم در ورزشگاه حاصل تلاش و پشتکار بازیکنان، کادر فنی و همه ی کسانی است که برای موفقیت شاهین در تلاش هستند. این نوع تلاش ها باید حفظ شود با توپ و تشر یک سرمربی که الفبای فوتبال را که احترام به رقیب است دانسته یا ندانسته در کلام رعایت ننموده نباید پا پس کشید و به حاشیه رفت؛ بلکه باید به اثر بخشی تفکرات خود بیشتر معتقد شد.
۷ – به بازیکنان گفته شود که وقتی تیم هایی خلق الساعه می توانند در لیگ برتر حضور یابند آیا باشگاهی به قدرت و قدمت ما نمی تواند چنین کند.
۸ – شرایط لیگ امسال به گونه ای است که بر خلاف سنوات گذشته، تیم های اول به صورت مستقیم به لیگ برتر صعود می کنند. قدر این موقعیت را باید دانست و موفقیت های گذشته را با چنگ و دندان تداوم بخشید.
۹ – مدیران پارس جنوبی تلاش نمایند حتی المقدور در روز مسابقات کنار تیم حضور یابند. موفقیت باشگاه، موفقیت سیستم های مدیریتی و اطلاعاتی آنها نیز خواهد بود.
۱۰ – وقتی بدن در آمادگی باشد، اعضاء و جوارح در پی بروز عکس العمل های ناپسند و زیان آور در زمین نخواهند بود. شرایط بازی ها به گونه ای است که بازیکنان نبایست بی جهت کارت زرد یا خدای ناخواسته قرمز دریافت کنند. مدیران پارس جنوبی امکانات پزشکی لازم برای آمادگی روحی و روانی بازیکنان مهیا نمایند.
۱۱ – تعامل باشگاه با سیمای استان به نحوی باشد که کادر فنی و بازیکنان هر چه بیشتر مطرح و انگیزه روحی – روانی بازیکنان افزایش یابد.
۱۲ – تعامل با رسانه های نوشتاری محلی و کشوری به نحوی باشد که ضمن انعکاس عوامل موفقیت شاهین، افرادی از این دست به خود اجازه ابراز چنین نظرات نامطلوب ندهند.
۱۳ – از افراد دارای وجهه فرهنگی– ورزشی معروف شاهین در مرکز برای رایزنی و انعکاس مطالبات باشگاه با فدراسیون فوتبال استفاده شود.
۱۴ – پاسخ به صحبتهایی که در رابطه با باشگاه شاهین بیان می شود بهتر است از سوی روابط عمومی باشگاه صورت گیرد. کادر فنی از پاسخگویی به نقطه نظرات مربیان سایر تیم ها پرهیز نمایند . آنها مترصد به حاشیه کشاندن شاهین هستند.

نسیم جنوب
NASIM JANOUB

نسیم جنوب ۹

NASIM JANOUB

نسیم جنوب
۱۱
ویژه
شماره ۵۴۰ یکشنبه ۱۸ اسفند ماه ۱۳۸۷
NASIM JANOUB

نقش خانواده در شکل گیری شخصیت فرزندان

شریعت غلامرضا زاده
(مدرسه راهنمایی عفاف – شاهد دختران)

اولین و مهم ترین محیطی که شخصیت و شکل گیری رفتارهای فرزندان را پایه ریزی می نماید خانواده است و اساسی ترین دوران رشد شخصیتی و روانی هر انسان دوره کودکی است که گذر مناسب از این دوره تضمین کننده رشد تکاملی وی در مراحل بعدی است. هدف از پرورش فرزند، آماده سازی او برای ورود به جامعه است که با توجه به تنوع ارزش ها و آرمان های فرهنگی جامعه، خانواده سعی می کند الگوهای پرورشی فرزند خود را منطبق با آرمان های خویش انتخاب کند. همسویی و هم عقیده بودن والدین در انتخاب الگوی تربیتی و پرورشی فرزندان، تعارض در انتخاب رفتار فرزندان را به حداق می رساند. الگوهای تربیتی فرزندان:
خانواده ها رااز نظر برخورد والدین با فرزندان می توان به سه گروه کلی تقسیم نمود: ۱– خانواده مستبد (خودکامه) ۲– خانواده مداراگر ۳– خانواده آزادمنش
۱ – خانواده مستبد دارای ویژگی های خاصی هستند از جمله: به رایت انضباط سخت و مقرات تأکید دارند – تنبیه بدنی را مجاز می دانند – فرزندان را در تصمیم گیری های مسایل جاری خانواده مشارکت نمی دهند – به احساسات و عواطف فرزندان توجه نمی نمایند. این گروه خانواده ها فرزندانی که پرورش می دهند عموما دارای ویژگی های زیر هستند: ۲ – الف) احساس حقارت ب) شخصیت مستقل ج) افکار منفی نسبت به دیگران۳ – ۲– خانواده مداراگر دارای ویژگی های خاصی هستند از جمله فرزندان آزادی عمل دارند والدین همواره تسلیم خواسته های فرزندان هستند – تصمیم ها بر اساس تمایلات فرزندان گرفته می شود – ناکامی و محرومیت برای فرزندان وجود ندارد. ۴ – خانواده های آزادمنش نیز دارای ویژگی های خاصی هستند: از جمله نظارت و کنترل دقیق بر رفتارهای فرزندان دارند – در تکریم به فرزندان دریغ ندارند – فرزندان را با همه نقاط ضعف و قوت آن ها مورد پرورش قرار می دهند. ۵ – این گروه از خانواده ها فرزندانی که پرورش می دهند دارای ویژگی ها ی زیر هستند: ۶ – الف) دارای اعتماد به نفس لازم می باشند. ب) برای کسب استقلال خود تلاش می کنند ج) می توانند مسولیت پذیر باشند د) از والدین حرف شنوی لازم را دارند ه) نگران و مضطرب نیستند.

چه کنیم تا کودکان و نوجوانان به حرف های بزرگسالان گوش دهند

زکیه عبدی زاده کارشناس آموزش ابتدایی از کاکی

ارتباط و تبادل نظر با کودکان و نوجوانان به نظر سهل و ساده می رسد لکن متأسفانه گاه همه کوششی که ما بزرگسالان برای این ارتباط به کار می بریم منحصر به دادن پند و اندرز به آنان و انتظار دریافت رفتارهای مطلوب از آنان است . فرضیه نادرستی که راهنمای گروهی از والدین و مربیان در ارتباط با کودکان ونوجوانان است ظاهراً عبارت است از این که : « به کودکان بگویید چه باید بکنند ، چندین بار آن را تکرار کنید . در صورتی که به طور دلخواه عمل نکردند به گونه ای آنان را تنبیه کنید.» متأ سفانه این شیوه نمایانگر مجموعه مهارت ها یی است که گروهی از بزرگسالان در تبادل نظر به کودکان می دانند و به آن عمل می کنند .
حقیقت این است که هیچ تضمینی وجود ندارد که کودکان همیشه به حرف های ما با دقت گوش دهند ، حتی با صراحت می توان گفت هیچ تضمینی وجود ندارد که کودکان همیشه حرف های ما را بشنوند . مثال بارز آن تعداد بیشمار کودکانی است که علیرغم هشدارهای والدین و حتی بارها تنبیه شدن ، به آب جوش دست می زنند و آن را به روی خود برمی گردانند.، به حوض می افتند ،زیر ماشین می روند و احتمالاً در مواردی مرتکب بزهکاری و دیگر انحرافات اخلاقی و رفتاری و ... می شوند .
وادار ساختن کودکان به این که به حرف های ما گوش دهند ، مستلزم همان اندازه مهارت است که ما به عنوان بزرگسال در گوش دادن آنچه آنان برای گفتن دارند ، به کار می بریم . این مهارت کدام است ؟ چگونه می توان این مهارت ها را کسب کرد و در عمل به کار بست ؟به پاره ای از این مهارت ها در زیر اشاره می شود : ۱ – به پرسش های کودکان و نوجوانان پاسخ دهیم .
۲ – نقش کسی که پاسخ همه سؤالات و مسائل را می داند بازی نکنیم . ۳ – به کودکان و نوجوانان گه گاه فرصت مخالفت کردن بدهیم و آن را بپذیریم . ۴ – از تمسخر و استهزاء کودکان ونوجوانان اجتناب ورزیم . ۵ – در مورد آنان از بکار بردن لقب ها و برچسب هائی که بار منفی دارد ، تا حد امکان خودداری کنیم .
۶ – در رفتار و گفتار خویش صداقت و هماهنگی داشته باشیم .
۷ – کودکان بخصوص نوجوانان را آن گونه که هستند درک کنیم . ۸ – گه گاه به کودکان اجازه ابراز احساسات بدهیم .
منبع : سه گفتار درباره ی راهنمایی و تربیت فرزندان نوشته شکوه نوابی نژاد

نگاهی به مشکلات منطقه عسلویه از زبان مسئولان منطقه:

قطب اقتصادی ایران و مشکلات پیش رو!

بهاره عالی پور



اگر چه امروز عسلویه به عنوان قطب اقتصادی در ایران و جهان شناخته شده است، ولی مردم منطقه عسلویه آنطور که سزاوار قطب اقتصادی ایران می باشد از منابع اقتصادی منطقه سود نبرده اند.
مواجه شدن با بحران کمبود آب آشامیدنی، قطعی های مکرر برق در منطقه، آلودگی بیش از حد هوا و بروز بیماری های ناشی از آن، نبود امکانات رفاهی و آموزشی و بیکاری های دراز مدت برای جوانان منطقه در حالی که خود میزبان شرکت های متعددی ست که می تواند منبع اشتغال برای نیروهای بومی و غیر بومی باشد از جمله مسائلی ست که مردم منطقه را آزار می دهد.
مشکلات موجود و عدم توجه کافی در جهت رفع آن مردم منطقه عسلویه را بر آن داشته تا برای تبدیل عسلویه به یک شهرستان تلاش کنند.
تعدادی از مسئولان عسلویه معتقدند عسلویه که امروز به عنوان قطب و پایتخت اقتصادی شناخته شده، ساختار اداری اش در حد یک بخش است و اعتباراتی هم که از سوی بودجه کشوری و استانی برای آن پیش بینی می شود به دید یک بخش به آن نگاه می کنند و سهمیه اش را به اندازه یک بخش از بخش های استان در نظر می گیرند.
به گفته آنها با توجه به تحولات صنعتی که در منطقه عسلویه شکل گرفته در مقایسه با توسعه و پیشرفت منطقه توازن و توسعه ناموزونی وجود دارد، گرچه عسلویه به عنوان پایتخت اقتصادی قلمداد می شود ولی از لحاظ امکانات رفاهی مردم (آب، برق، بیمارستان، اشتغال، زندگی و....) تناسبی ندارد و می طلبد که مسئولین استان و کشوری هر چه سریع تر عسلویه را از بخش به شهرستان ارتقاء دهند تا بتوانند اعتبارات بیشتری را برای رفع مشکلات مردم بگیرند.
"نسیم جنوب" در این شماره به بررسی مشکلات موجود در منطقه عسلویه پرداخته و در این رابطه با نمایندگان حاضر در منطقه یعنی اعضای شورای بخش و بخشدار عسلویه گفت و گو کرده است که در زیر می خوانید:

عضو شورای بخش عسلویه: بالاترین نرخ بیکاری در پایتخت اقتصادی کشور، یعنی عسلویه است

عضو شورای بخش عسلویه در گفت و گو با خبرنگار نسیم جنوب در رابطه با مهم ترین مشکلات پیش روی عسلویه می گوید: «از مهم ترین مشکلاتی که دامنگیر بخش عسلویه می باشد بحث آب شهر عسلویه و نخل تقی است و علی رغم خشکسالی های موجود، مردم منطقه با مشکل آب مواجه هستند.»
بوهندی کمالی گفت: «یکی دیگر از مشکلات عسلویه بحث شهرستانی شدن آن است که به نظر من اگر این مشکل حل شود خیلی از مشکلات عسلویه حل می شود چون عسلویه فاکتورهای لازم را برای شهرستان شدن دارد که متاسفانه این موضوع تا الان مسکوت مانده است و مسئولین حاضر نیستند که به طریقی این موضوع را حل کنند تا مردم به حق و حقوق خودشان برسند و ما هم دلیل خوب و قانع کننده ای را از هر مسئولی دریافت نکردیم در صورتی که در دوران نماینده اسبق شهرستان کنگان، دیر و جم کارهایی در رابطه با شهرستان شدن صورت گرفت و کارشناسی شده ولی متاسفانه تا الان قضیه مسکوت مانده است و به احتمال زیاد یک سری مخالفت هایی وجود دارد و یا جدی نگرفتن این قضیه از طرف مسئولین استان باعث شده که قضیه، مسکوت بماند.»
کمالی افزود: «همانطور که می دانید بحث شهرستان شدن، به فاکتورهای لازم نیاز دارد و در عسلویه بین صنعت و ساختار اداری و امکاناتی که در عسلویه وجود دارد توسعه ناموزون است و ناگفته نماند که بحث شهرستانی شدن عسلویه جزء مطالبات و تقاضای همه مردم است چرا که به حداقل حقوقشان برسند.»
وی با اشاره به نرخ بالای بیکاری در عسلویه، به مشکل اشتغال جوانان منطقه اشاره کرد و گفت: «بحث اشتغال مشکل دیگری ست که جوانان منطقه با آن روبرو هستند و من به جرأت می توانم بگویم که بالاترین نرخ بیکاری در پایتخت اقتصادی کشور، یعنی عسلویه است؛ همه می گویند که عسلویه پایتخت اقتصادی ایران است ولی ما می گوییم که بالاترین نرخ بیکاری را دارد و این مشکل برای افراد بومی عسلویه وجود دارد و اگر می خواهند این مشکل را حل کنند، تنها خود مسئولین منطقه ویژه می توانند مشکل را حل کنند اما متاسفانه در این قضیه خیلی سهل انگاری شده و در هر کدام از روستاهایی که داریم ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر بیکار دارند و به هر دری که می زنند به جرم بومی بودن، به آنها کار نمی دهند.»
کمالی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه چرا در آن منطقه اینقدر بر روی نیروی بومی حساسیت وجود دارد گفت: «این سوال را باید از مسئولین شرکت ها بپرسید چون این واقعیت وجود دارد که وقتی نیروهای ما خودشان را با نام نیروی بومی معرفی می کنند موانعی بر سر راهشان می گذارند که آنها را منصرف کنند (به عنوان مثال می گویند چون نیروی بومی هستید مرخصی شامل شما نمی شود، ...) در صورتی که در اکثر شرکت ها افراد غیر بومی مشغول به کار هستند.»
وی افزود: «دولت کار خودش را انجام داده و مصوبه ۵۰ درصد اشتغال نیروهای بومی را تصویب کرد که نیروهای بومی ما مشغول به کار شوند ولی متاسفانه مصوبه دولت در اینجا هم اجرا نمی شود؛ اگر حداقل این مصوبه دولت در عسلویه اجرا می شد ما هیچ مشکلی نداشتیم و با توجه به اینکه دولت نهم دولت عدالت محوری ست سوال ما این است که چرا عدالت در اینجا اجرا نمی شود؟ حداقل اگر این مصوبه اجرا می شد مشکل بیکاری ما صد در صد رفع می شد.»

قطع مکرر برق در فصل گرما

عضو شورای بخش عسلویه در این رابطه می گوید:«همانطور که برای استان های شمالی کشور بحث گاز مهم است و وقتی مشکلی در آنجا ایجاد می شود برای آنها یک فاجعه است و همه تلاش می کنند تا مشکل را حل کنند پس چرا برای قطعی مشکل برق ما کاری نمی کنند؟ وضعیتی که پارسال داشتیم خیلی بد بود ۴–۵ ساعت برق قطع می شد و با آن وضعیت امکان زندگی خیلی سخت می شد و با این وضعیت برای امسال باید فکری به حال خودمان کنیم چه بسا روستاهایی هستند که متقاضی توسعه شبکه برق هستند اما هنوز نوبتشان نرسیده است و این مشکل باید به یک طریق حل شود.»
بوهندی کمالی با مطرح کردن این سوال که آیا مسئولین محیط زیست و کلان کشور به فکر آلودگی این منطقه هستند؟ به مشکلات زیست محیطی و آلاینده های موجود در منطقه و خطراتی که برای مردم بوجود آورده اشاره کرد و گفت: «چندی پیش در یکی از روزنامه های سراسری اعلام کردند که آلودگی هوا در عسلویه ۱۰۰ برابر تهران است و این فاجعه برای ما محسوب می شود آیا مسئولین محیط زیست و کلان کشور به فکر این منطقه هستند؟»
وی ادامه داد: «واقعا ما در جبهه جنگ هستیم و نیاز به امکانات و تجهیزات داریم. باید پرسید که آیا این امکانات و تجهیزات فراهم شده یا نه؟ البته تلاش هایی توسط بخشدار عسلویه صورت گرفته اما در حد بخشداری این کارها انجام نمی شود و نیاز است که به همکاری بیشتری از استان و شهرستان و شرکت هایی که در منطقه است داریم.»
کمالی با انتقاد نسبت به مشکلات ابتدایی موجود در عسلویه عنوان کرد: «ما به صنعت خودمان در عسلویه می بالیم اما سوال اینجاست که با وجود این همه صنعت عظیم، چرا هنوز مشکل آب و برق حل نشده است؟ در هر صورت نیاز است که مسئولین استان ما همکاری داشته باشند که معضل در بخش عسویه حل شود.»
بوهندی کمالی در پایان گفت درباره انتظارات مردم این منطقه از رئیس جمهور گفت: «ما از ریاست محترم جمهور انتظار داریم که حداقل دیدار مردمی داشته باشند تا مردم بتوانند از نزدیک مشکلات خودشان را بیان کنند. البته در سفر قبلی هم این انتظار را داشتیم اما لغو شد که دلیل آن را هم نمی دانیم اما امیدواریم که در سفر آینده به عسلویه دیدار مردمی داشته باشند تا حداقل مشکلات مردم را از زبان خود مردم بشنوند، چون مردم بی صبرانه منتظر هستند.»

مردم در این منطقه به نصف حقشان هم نرسیده اند

استقرار پارس جنوبی چقدر توانسته در رفع مشکلات عسلویه تاثیرگذار باشد؟ «ما بر طبیعت این صنعت عظیم واقفیم که علاوه بر بعدهای مثبت، بعدهای منفی هم دارد اما بحث بر سر این است که در این بین حق مردم ادا شده یا نه و این سوالی ست که مسئولین اینجا باید پاسخ دهند و همچنین شرکت های مستقر در منطقه، که من به جرأت می توانم بگویم که مردم در این منطقه به نصف حقشان هم نرسیده اند؛ مردم از عزیزترین چیز خودشان گذشتند چون برای یک روستایی، زمین خیلی مهم است در صورتی که مردم منطقه کمال همکاری را با شرکت ها داشتند و دارند و خواهند داشت و طبیعتا همکاری هم باید متقابل باشد در صورتیکه تاکنون این همکاری از جانب شرکت ها در حد خیلی کمی بوده یعنی کمک ها در حد خیلی جزئی بوده است.»
کمالی در پایان صحبت هایش با بیان اینکه مردم در عسلویه همسایه صنعت هستند و نیاز به تعامل احساس می شود گفت:«در حال حاضر ما در عسلویه همسایه صنعت هستیم و باید با هم آشتی کنیم و تعاملی داشته باشیم به معنی که به همدیگر کمک کنیم یعنی داخل فنس و خارج فنس با هم فاصله نداشته باشند و این فاصله بین داخل فنس و بیرون فنس باید کمتر شود؛ امیدواریم که این مسائل به مسئولین منتقل شود و پیگیر این قضیه باشند که مشکلات حل شود چون هدف همه حل مشکلات مردم است.»

در رابطه با شهرستان شدن عسلویه تنگ نظری وجود دارد

رئیس شورای بخش عسلویه در گفت و گو با خبرنگار نسیم جنوب با بیان اینکه تحولات صنعتی با امکانات رفاهی مردم تناسبی وجود ندارد گفت: «با توجه به تحولات صنعتی که در منطقه عسلویه شکل گرفته در مقایسه با توسعه و پیشرفت منطقه توازن و توسعه ناموزونی وجود دارد؛ گرچه عسلویه به عنوان پایتخت اقتصادی قلمداد می شود ولی از لحاظ امکانات رفاهی مردم (آب، بیمارستان، اشتغال، زندگی و....) تناسبی ندارد و می طلبد مسئولین استان و کشوری هر چه سریع تر عسلویه را از بخش به شهرستان ارتقا دهند تا بتوانند اعتبارات بیشتری را برای رفع مشکلات مردم بگیرند.»
پلنگی اضافه کرد:«در رابطه با شهرستان شدن عسلویه یک سری تنگ نظری ها وجود دارد مخصوصا از سوی استان و ما واقعا از این موضوع گلایه مندیم و متاسفانه هم استانی های ما خیلی نظر مساعدی روی این قضیه ندارند و تفکرات در این حد است که اگر عسلویه به شهرستان تبدیل شود شاید دیگر شهرستان های استان از رونق بیفتد و مرکز استان از رونق بیفتد و شاید استان همجوار (فارس) چشم طمع به آن داشته باشد و آن را به استان فارس ملحق کنند در صورتی که اگر مردم عسلویه احساس کنند که مسئولین استان نسبت به آنها بی توجه اند و با وجود این همه مشکلات کسی به فکرشان نباشد و به نوعی احساس یتیمی کنند شاید زمینه فراهم تر باشد برای اینکه مردم به استان دیگری گرایش پیدا کنند و این طبیعی ست. ۴ سال است که داریم این موضوع را پیگیری می کنیم و در هر سفر ریاست جمهوری این موضوع را عنوان می کنیم و کتبا می نویسیم و خود ریاست جمهور هم نظر مساعدی دارند و وزیر سابق کشور(پورمحمدی) هم نظر مساعدی داشتند ولی هنوز از استان آن انتظاری که ما داریم و بایستی پیگیر این موضوع باشند و کمک ما کنند را ندیدیم. البته ما منکر این واقعیت نیستیم که بعد از پیروزی انقلاب کارهایی در منطقه صورت گرفته همانطور که در دیگر مناطق کشور دولت جمهوری اسلامی ایران خدمات قابل توجهی برای مردم انجام دادند برای این منطقه هم انجام دادند ولی مشکلات اساسی رفع نشده و وقتی کارهایی انجام شده باشد اما مشکل بی آبی مردم رفع نشده باشد آن اقدامات انجام شده هم تحت الشعاع آن قرار می گیرد.»

مهم ترین مشکل به کمبود آب روستاها بر می گردد

بخشدار عسلویه نیز در این خصوص گفت: «مهم ترین مشکل به کمبود آب روستاها بر می گردد چون خشکسالی است و منابع آب ندارد و از نظر آب های زیر زمینی فقیر است و برای رفع آن هم کارهای زیرساختی خوبی صورت گرفته و شاید در بخش عمده ای از روستاهای ما لوله کشی آب صورت گرفته است و ۳ مجتمع آب رسانی در منطقه ایجاد شده که یکی در چاه مبارک، دیگری در اخند و یکی دیگر هم در عسلویه، نخل تقی و بیدخون ایجاد شده و از ۲۱ روستا تنها ۲ روستا مانده است اما مشکلی که در عسلویه وجود دارد از نظر منابع آب فقیر است و تنها راهش این است که از خط کوثر استفاده کرد در صورتی که هنوز در منطقه عسلویه به بهره برداری نرسیده ه است اما بعد از سفر ریاست جمهوری حدود ۱۷۰۰ تا ۱۸۰۰ متر مکعب آب توسط آب شیرین کن های منطقه ویژه به عسلویه داده می شود و می توان گفت که روند خوبی در پیش داریم.»
عبداله نادری در رابطه به مشکل بیکاری منطقه عسلویه نیز گفت: «با توجه به اینکه زمان ساخت تعدادی از پروژه ها نظیر فازهای ۶،۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ به اتمام رسیده، قطعا کاهش نیرو خواهند داشت ولی تعدادی از نیروهای بومی جذب شدند و تعدادی هم بیکار هستند ضمن اینکه نیروهای بومی منطقه برای افزایش توان و آموزش های لازم باید تلاش بیشتری کنند چون اگر خودمان را مجهز کنیم قطعا برای پیمانکاران منطقه می صرفد که از نیروهای بومی استفاده کنند. البته نسبت به گذشته وضعیت آموزش بهتر شده است و سال گذشته حدود ۵۰ نفر در آموزش عالی قبول شدند و در حال حاضر دانشگاه بین المللی پیام نور عسلویه راه اندازی شده که چیزی حدود ۳۰ درصد از ظرفیت دانشگاه نیروهای بومی هستند و در مجموع روند رو به رشدی را در منطقه داریم به خصوص در بخش آموزش عالی.»
وی همچنین در خصوص آلاینده های موجود در عسلویه گفت: «قطعا در مناطقی که صنعت وارد می شود یک سری عوارضی هم دارد اما باید تلاش شود که این عوارض کم شود و تا کنون توسط دستگاه های ذیربط و محیط زیست هیچ گونه گزارش یا آماری اعلام نشده که میزان آلودگی در عسلویه در چه سطحی است و چه آسیب هایی به دنبال دارد و مواردی که اعلام می شود به صورت غیر رسمی است البته یک سری اقداماتی در منطقه انجام شده نظیر افزایش فضای سبز، توسعه جنگل های حرا و ... صورت گرفته است.»

توقف اعتبارات ساخت بیمارستان

نادری در ادامه با اشاره به وضعیت بیمارستان عسلویه گفت:«بیمارستان عسلویه حدود ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد و بنا به یک سری مسائل اعتباری متوقف شد و اخیرا استاندار محترم پیگیری های زیادی کردند و حتی نامه ای را به وزیر رفاه نوشتند و در حال پیگیری ست که سریع تر مشکل بیمارستان حل شود.»
بخشدار عسلویه در پاسخ به سوالی مبنی بر تبدیل عسلویه به شهرستان اظهار داشت:«این موضوع به نظرات کارشناسی بستگی دارد و از طرفی از مسئولیت استاندار و مقامات استان و وزارت کشور هستند که در این خصوص تصمیم بگیرند و از اختیارات ما در بخشداری نیست.»

می دانیم ولی توجه و عمل نمی کنیم!!!

رضاسیاهوشی



اگر نام آسیب شناسی اجتماعی را بر مطالبی که ارائه خواهم نمود انتخاب نمایم فکر می کنم بی ربط نبوده باشد ولی تمام نکات ذیل فقط من باب هشدار به خود و مسئولان محترم است تا بتوانیم با رفع این عیوب در کشور نمونه و مثال زدنی شویم هرچند که همیشه از استان بوشهر به دلیل امنیت و آرامشی که توسط مردم و مسئولین رعایت و برقرار شده به عنوان یکی از استان های زبان زده همگان هستیم.اما حال که در گذر روزهای پایانی سال قرار گرفته ایم امید می رود که با یک خانه تکانی در درون خود به استقبال سال نو بشتابیم

نکته اول :شهروندان

می دانیم که ریختن آشغال در معابر،خیابان و جداول صحیح نیست ولی .....
می دانیم که انداختن آب دهان در معابر و خیابان ها غیربهداشتی و زشت ولی.....
می دانیم که پرت کردن آشغال از خودرو به خیابان ناپسند است ولی .....
می دانیم که از جاکندن صندلی های ورزشگاه کار درستی نیست ولی.....
می دانیم که کشیدن سیگار در اماکن عمومی و بخصوص مراکز ورزشی ممنوع وزیان آور است ولی.....
می دانیم که سرعت غیر مجاز خطرساز و خلاف قانون است ولی .....
می دانیم که هنگام رانندگی باید به حقوق دیگران احترام بگذاریم ولی.....
می دانیم که استفاده از کلاه ایمنی و بستن کمربند ایمنی برای امنیت جانمان است ولی.....
می دانیم که نباید با موتورسیکلت در پیاده رو حرکت نمود ولی.....
می دانیم که ایجاد سروصدای اضافه در موتورسیکلت ها بخصوص شب هنگام مردم را آزار می دهد ولی.....
می دانیم که نسب به رانندگی خانم ها بخصوص توسط بعضی راکبان موتورسیکلت باید احترام گذاشت ولی .....
می دانیم که حق تقدم با عابر پیاده است ولی.....
می دانیم که عبور از چراغ قرمز خلاف قانون است ولی.....
می دانیم که دشنام ، ناسزا ،تهمت خوب نیست ولی.....
می دانیم که نزاع و درگیری نتیجه ایی نامطلوب دارد ولی.....
می دانیم که سیگار کشیدن ضرر جانی و مالی به همراه دارد ولی .....
می دانیم که صرفه جویی در مصرف آب وبرق به نفع خود و جامعه است ولی .....
می دانیم که سروصدای بلند در مجامع عمومی مقبولیت ندارد ولی .....
می دانیم که نباید حق و حقوق همدیگر را پایمال کنیم ولی .....
می دانیم که سایت های اینترنتی و مطبوعات محلی گام های مثبتی جهت پیشرفت استان برداشته اند و ما شهروندان با مطالعه و حمایت همه جانبه آنها میتوانیم در تشویق و ترغیب شان بکوشیم ولی .....

و نکته دوم :مسئولان

می دانیم که ایجاد و احداث سرعت گیر باید با نصب چراغ و تابلوهای هشدار دهنده باشد ولی.....
می دانیم که باید برای ترافیک و خیابان های بوشهر چاره اندیشی کرد ولی .....
می دانیم که پارک بازی و سرگرمی مناسب همراه با امکانات لازم در بوشهر نیست ولی.....
می دانیم که وضعیت مبلمان شهری زیبنده پایتخت اقتصادی کشور نیست ولی .....
می دانیم که مرکز شهر فاقد پاساژ و بازار شیک وزیبا است ولی.....
می دانیم که بازار ماهی فروشان کاملا بهداشتی و مناسب نیست ولی.....
می دانیم که ماشین های حمل زباله مدرن نیست ولی.....
می دانیم که آسفالت خیابان های سطح شهر صاف وهموارنیست و پر از چاله و چوله می باشد ولی .....
می دانیم که اگر مراکز تفریحی کنار این ساحل پهناور احداث شود علاوه بر بهبود وضعیت مبلمان شهری ایجاد اشتغال زایی نیز به همراه خواهد داشت ولی .....
می دانیم که احداث یک پلاژ زیبا همرا با امکانات و پارک تفریحی آبی مجهز از نیازهای شهرهای بندری است ولی.....
می دانیم که اشغال و تصرف پیاده رو و معابر عمومی بخصوص توسط نمایشگاه های اتومبیل قانونی نیست ولی .....
می دانیم که گرد وخاک در کوچه و خیابان های بوشهر امان همه را بریده است ولی.....
می دانیم که جوی های کنار خیابان پر از لجن و آشغال است ولی .....

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

نسیم جنوب

- صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
- مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
- صفحه آرا : امیر علیپور و موسی ولی زاده
- نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
- دفتر هفته نامه نسیم جنوب
- تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
- ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
- لیتوگرافی و چاپ: علوی بوشهر ۲۵۲۷۷۹۷

عکس های سفر خاتمی ازمیثم قیصی زاده



نشست مطبوعاتی سید محمد خاتمی با خبرنگاران بوشهر:

حاضرم هر هزینه ای را بپردازم



رئیس دولت اصلاحات در آخرین برنامه حضورش در بوشهر، در نشست مطبوعاتی با اهالی رسانه شرکت کرد. سید محمد خاتمی در ابتدای صحبت هایش به نقش مطبوعات و نشریات محلی اشاره کرد و گفت: «موارد مورد نظر من بحث بسط و تاسیس رسانه های محلی بود و تعداد نشریات محلی بسیار گسترش پیدا کرد هر چند که از جانب وزارت ارشاد هم اهتمام جدی در این امر صورت می گرفت.»

نشریات محلی، یعنی شخصیت دادن به استان ها

سید محمد خاتمی گفت: «نشریات محلی، یعنی شخصیت دادن به استان ها و فقط توجه به مرکز نداشتن؛ نشریات محلی قادرند نقش رشد اجتماعی و فکری در جامعه را بالا ببرند چون افراد یک استان بیشتر به مسائل محلی خودشان توجه می کنند و از این طریق آگاهی هایشان بالا می رود و از این جهت نقش رسانه های محلی نقش مهم تری می شود.»

وی افزود:«از آنجایی که فکر می کردم در این سفرها امکان و مجال رفتن به همه شهرها و مناطق مختلف فراهم نیست می خواستیم کاری کنیم که صدای ما بیشتر به استان ها برسد و مطبوعات محلی در این راه می توانند کمک کنند.»

برای اینکه رأی ها دچار تفرقه نشود حاضرم هر هزینه ای را بپردازم

سید محمد خاتمی در پاسخ به سوال خبرنگاری مبنی بر اینکه اگر میرحسین موسوی وارد صحنه انتخابات شود، چه تصمیمی گرفته خواهد شد؟ گفت: «من گفتم یا من، یا آقای موسوی در این عرصه می آیند به هر صورت با صحبت هایی که کردیم احساس کردیم که من باید در عرصه انتخابات اعلام حضور می کردم، منتها یک مسئله را باید مطرح کنم که ناشی از یک دغدغه است که مبادا تفرقه باعث تشدد آرا و در نتیجه شکست آنها می شود و مطمئن باشید که به لطف خداوند چنین مسئله ای تحقق پیدا نمی کند و ان شاء الله که رأی ها دچار تفرقه نخواهد شد و می شود که به تفاهمی با دوستان رسید و من به سهم خودم حاضرم که هر کاری که لازم باشد و هر هزینه ای را بپردازم برای اینکه این رأی ها دچار تفرقه نشود و ان شاء الله به لطف خداوند آنقدر دوراندیشی در بین دوستان ما وجود دارد، که آن نگرانی وجود ندارد.»

مهمترین مساله، مساله اقتصادی است

خاتمی همچنین در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه در صورت پیروزی احتمالی در انتخابات چه راهکارهایی عملیاتی برای برون‌رفت از مشکلات کشور در نظر دارید؟ عنوان کرد: «من به لطف خداوند با برنامه ای که دارم دوستان ما در گروه های مختلف فعالیت خوبی را برای تشخیص موقعیت و پیش بینی آینده و راهکارهایی که برای مشکلات مختلف و به خصوص تشخیص اولویت ها انجام دادند، که به نظر من مسئله فوری ما، مسئله اقتصادی ست که در درون مسئله اقتصادی مسئله معیشت مردم و قدرت خرید مردم مطرح است که با وجود تورم زیاد اگر افزایش حقوق هم دهیم معمولا اگر درآمد را ۲ برابر کنیم ولی تورم سبب شود که قیمت چند برابر شود، باز هم قدرت خرید مردم کمتر خواهد شد.»

وی افزود:«در این زمینه فعالیت های زیادی انجام می گیرد منتهی با توجه به وضعیت فعلی هر کس بیاید مشکل وجود دارد و نمی توان انتظار دارد که یک شبه و یک ساله، مشکلات حل می شود بلکه باید به زیرساخت هایی که تخریب شده و مشکلاتی که بوجود آمده پرداخت؛ با کسری درآمد نفت و کسری بودجه ای که در سال آینده داریم، خود به خود فشاری که روی تولید جامعه می آید و فشاری که با واردات فراوان روی تولید آمده است، احیای تولید و سرمایه گذاری در جامعه مهم ترین نقش را در رفع مشکلات اقتصادی دارد. البته رسیدگی به وضع محرومان هم اهمیت دارد چون ما نمی توانیم محرومان را رها کنیم تا وضع اقتصادی خوب شود و بعد به آنها رسیدگی کنیم. به همین دلیل هم لایحه نظام هماهنگی پرداخت در زمان من به مجلس رفت، یا طرح مدیریت خدمات دولتی در زمان ما تصویب شد و انجام گرفت و بخش هایی از آن مثل حقوق بازنشستگان و حقوق نیروهای مسلح انجام شد. ولی صحبت بر سر این است که چرا همه آن مورد اهتمام قرار نگرفت.»

سید محمد خاتمی اضافه کرد: «یقینا هر کس که بیاید مسئله مهم و اساسی او باید گرانی و تورم باشد ولی این موضوع هم با معجزه حل نمی شود و باید سرمایه گذاری و سیاست های خارجی ما به گونه ای باشد که بتوانیم امکانات خارجی را جذب کنیم و کمبود درآمدهای نفتی را جبران کنیم و ان شاء الله با رونق توسعه و نیز تقویت جنبه تامین اجتماعی و تکیه بیشتر در نفت برای کار تولید سازنده در جامعه و گسترش زمینه سرمایه گذاری در جامعه و ایجاد اشتغال در آن و متناسب کردن تقاضا با عرضه بتوانیم این کار را انجام دهیم و برنامه های دقیق تر آن در آینده گفته خواهد شد.»

از این همه حضور و استقبال شرمنده ام

خاتمی در پاسخ به سوالی که ارزیابی شما از سفر به سه استان فارس، کهکیلویه و بویراحمد و بوشهر چیست، گفت: «استقبالی که در این سه استان از من شد، غیرمنتظره نبود و در ذهنم این بود که این محبت از سوی مردم ابراز خواهد شد و این نشان دهنده این است که جهت خاص و تقاضای مردم چیست و رسانه ها خود می‌توانند اقبال مردم را در این سه سفر را نشان دهند و فقط می توانم بگویم که از این همه حضور و استقبال شرمنده ام.»

مصلحت نیست خاطراتم چاپ شود

وی در پاسخ به این سوال که آیا خاطرات خود را به رشته تحریر در می آورید؟ گفت:«من خاطره نویسی را به صورت خاص انجام می‌دهم و معمولا مسائل مهمی را که پیش می آید می نویسم به صورتی که گاهی دو هفته یادداشت ندارم و گاهی برای یک روز ۱۰ صفحه می‌نویسم و تقریبا تمام مسائل مهمی که وجود داشته لااقل از سال اول مسئولیتم تا امروز نوشته‌ام ولی تمام اینها خاطراتی نیست که در این موقعیت قابل انتشار باشد و بخشی از آن بعد از مرگم منتشر می‌شود.»

گفتم رئیس جمهور را تدارکات چی می خواهند

خاتمی در ادامه صحبت هایش در پاسخ به سوال خبرنگار دیگری که در خصوص آخرین اظهارنظرش در پایان ریاست جمهوری و اینکه رییس جمهور را تدارکاتچی خوانده بود، اظهار داشت: «متاسفانه این مساله بسیار بد فهمیده شد زیرا من گفته‌ام رئیس‌جمهور دو عنوان و اهمیت دارد؛ یک رئیس دولت است و دیگری مجری قانون اساسی و خوشبختانه برای اجرای قانون اساسی در زمان آیت اله خامنه ای پیگیری شد و تا حدودی اختیارات و چارچوب های اعمال اختیارات تصویب شد و آن هم مبنایی و من بر اساس آن خیلی کار کردم، ولی معتقد بودم کافی نیست و به همین دلیل برای تکمیل آن و ضمانت اجرایی شدن آن لایحه ای را به مجلس دادم و مجلس تصویب کرد و شورای نگهبان هم آن طور که انتظار می رفت با مشکلات روبرو شد. البته می شد پافشاری کرد تا به مجمع تشخیص مصلحت برود و به نظرم تا حدود زیادی این امیدواری وجود داشت که تصویب شود ولی چون اواخر دوره من بود، من فکر کردم که ممکن است که این موضوع وسط هوا و زمین بماند و آن را به رئیس جمهور بعدی واگذار کردیم. بنابراین اصلا نگفتم که رئیس جمهور تدارکاتچی است.»

وی افزود: «من گفتم، آنها که می گویند رئیس جمهور فقط رئیس دولت است و مجری قانون اساسی نیست رئیس جمهور را تدارکات چی می خواهند که فقط در آنجا تدارکات کند.»

وی تاکید کرد:«رئیس جمهور تدارکات چی نیست اگر اجرای قانون اساسی که بر عهده اوست به رسمیت شناخته شود که به رسمیت شناخته شده، البته معتقدم که آن اختیارات کافی نیست و باید تکمیل شود و اگر رئیس جمهور، رئیس دولت باشد تدارکات چی است ولی طبق قانون اساسی رئیس جمهور هم رئیس دولت و هم مجری قانون اساسی ست. برای قانون اساسی فعلا یک آیین نامه ای که معتقدم کامل نیست وجود دارد که تا حدودی می تواند وظیفه دومش را با آن انجام دهد حتی در وضعیت فعلی هم با همین قوانین هم، رئیس جمهور تدارکات چی نیست.»

باید از نیروهای خوب بوشهری در سطوح عالی استفاده کرد

یکی دیگر از خبرنگاران از استفاده از نیروهای بومی در سطوح عالی مدیریتی کشور پرسید که سید محمد خاتمی در پاسخ گفت: «دولت که ۲۰ وزارت و ۴ تا معاونت که بیشتر نیست به هر صورت نمی شود ادعا کرد که همه استان ها در آن چارچوب دولتی که هستند حضور داشته باشند اما مدیریت عالی کشور منحصر به ۲۰ معاون یا ۳-۴ عنوانی که دور هم می نشینند نیست بلکه مدیریت های بسیار مهمی ست و معتقدم که بحمدالله سطح سواد، توانایی و دانش و تخصص در نیروهای بوشهری بسیار زیاد است و باید هم شناسایی شود چون گاهی ممکن است که از دست آدم در رود و نه تنها استان بوشهر بلکه از بسیاری از استان های دیگر که از نظر نیروی انسانی شایستگی دارند و از نظر اقتصادی و مادی دچار مشکل هستند، می توان بیشتر نیروها را انتخاب کرد و علاوه بر خدمتی که به سطح ملی می کنند به استان هایشان هم خدمت کنند؛ همانطور که آقای تاجگردان به عنوان معاون بسیار شایسته اقتصادی سازمان مدیریت و برنامه ریزی که اساس آن به هوا رفت و ان شاء الله باز، برگردد از استان کهکیلویه بویر احمد حضور داشتند و یقینا باید این نیروها را شناسایی کرد و در سطوح عالی از نیروهای خوب بوشهری هم استفاده کرد.»

تهمت زدن‌ها و تخریب‌ها بسیار رایج شده است

وی در پاسخ به سوال خبرنگار دیگری که درخصوص پرونده‌سازی برای او و احتمال ردصلاحیتش در انتخابات پرسید، گفت:«پرونده‌سازی فقط اختصاص به من ندارد و تهمت زدن‌ها و تخریب‌ها متاسفانه بسیار رایج شده است و بدتر این که، این‌گونه تخریب‌ها را به نام ارزش‌ها و دین مداری صورت می‌گیرد و اگر از سوی بی‌دین‌ها صورت می‌گرفت زیاد غصه نمی‌خوردیم؛ دروغ، تهمت، پرونده سازی، افشاگری و ... و این نوع کارها از سوی کسانی صورت می‌گیرد که مدعی در اختیار داشتن انحصاری ارزش‌ها و مسائلی از این دست هستند.»

رییس دولت اصلاحات تاکید کرد: «خوشبختانه اینها درست نتیجه معکوس در جامعه داشته است، به طور مثال وقتی این افراد به برخی تهمت بی‌دینی می‌زنند، کسانی که او را فاسد معرفی کردند از جانب مردم، مورد توجه بیشتری قرار می گیرد و من در همین جا بگویم که معتقدم یکی از پاک ترین دولت هایی که وجود داشته در زمان من بوده؛ همه تلاشی که در این۳-۴ سال که پرونده سازی کنند، افراد را به دیوان محاسبات بکشانند و... به لطف خداوند در زمان من یک مورد فساد کشف نشد و معتقدم فسادهای بزرگ در جاهای دیگر است و به خصوص درزمینه رانت‌خواری‌هایی که با این درآمدهای زیاد نفت ایجاد شده است.»

وی افزود: «من معتقدم که این گونه پرونده سازی ها از نظر افکار عمومی و مردم مشکلی ایجاد نمی کند گرچه کسانی که این کار را می کنند باید از دو جهت پاسخگو باشند، یکی اینکه دروغ گفتند و دیگر اینکه بنام دین و ارزش ها این دروغ را می گویند و این موضوع از دو جهت باید مورد مواخذه قرار گیرد اما قطعا روزگاری این کار انجام خواهد شد.»

روش های تعیین صلاحیت و رد صلاحیت، روشهای نادرستی است

وی در خصوص احتمال رد صلاحیت خود نیز گفت:«اصلا به این مساله فکر نکرده‌ام و معتقدم، در درجه اول صلاحیت را باید ملت تعیین کنند که چه کسانی صلاحیت دارند و انتخابات باید به صورت آزادی برگزار شود و جامعه ای که در برگیرنده عالمان و حقوق دانان و متفکران و خانواده های شهیدان و ایثارگران است، یعنی مجموعه اکثریت در آن هستند و وقتی رای دادند دلیل بر صلاحیت است و با کمال تاسف باید بگویم چون روش های تعیین صلاحیت و رد صلاحیت، روشهای نادرستی ست با کمال تاسف در جمهوری اسلامی گاه در بعضی موارد ردصلاحیت ها به عنوان نقطه ضعف، افراد حاصل نمی شود و بسیاری از چهره‌های جبهه رفته، متدین و برجسته ای بودند که به ناحق رد صلاحیت شدند و شورای نگهبان باید این مشکل را از خودش رفع کند؛ این رد صلاحیت ها طبق موازین قانون نیست و با اعمال انگیزه‌های سیاسی است و امیدوارم که با لطف خداوند با جایگاه بالایی که شورای نگهبان دارد، بتواند این اصلاح را در کار خودش ایجاد کند تا واقعا جایی که رد صلاحیت شد جامعه هم قبول کند که آن فرد صلاحیت ندارد، تا خدایی نکرده در آنجا رد صلاحیت شود و جامعه در بخشی از رد صلاحیت ها تشخیص دهد که انسان های صالحی مورد ستم قرار گرفته اند.»



درخواست روزنامه نگاران بوشهر از خاتمی

آزادی بیان، آزادی پس از بیان، آزادی رسانه



یونس قیصی زاده روزنامه نگار بوشهری که مسئولیت برگزاری نشست مطبوعاتی با خاتمی را بر عهده داشت، در مقدمه این برنامه، ضمن خیر مقدم به خاتمی و تشکر از حضور خبرنگاران، خطاب به خاتمی اظهار داشت: «در اسفند سال ۱۳۷۵ که شما برای سخنرانی انتخاباتی به بوشهر آمدید، بعد از پایان سخنرانی شما در مهدیه حضرت امام (ره)، حدود سی نفر از یاران و همراهان به همراه شما به مدرسه علمیه رفتیم که جلسه کوچکی در آنجا برگزار شد و حتما شما یادتان هست. در آن جمع تنها بنده به عنوان خبرنگار تنها هفته نامه استان بوشهر آئینه جنوب و یک عکاس حاضر بودند. امروز بعد از سخنرانی شما در بوشهر ۸۰ نفر از خبرنگاران در اینجا حاضرند تا نشست مطبوعاتی را با حضور شما برگزار کنند.»

وی افزود:« توجه به نشریات محلی و صدور مجوز برای انتشار گسترده آنها، یکی از مواهب دولت خاتمی است که تاثیرات زیادی را در استانهای کشور به همراه داشته است.»

قیصی زاده در ادامه خطاب به خاتمی اظهار داشت: «ما روزنامه نگاران تنها سه خواسته از شما داریم و امیدواریم که تمام سعی خود را برای برآورده کردن آنها بکار ببرید که عبارتند از : آزادی بیان، آزادی پس از بیان و آزادی رسانه.»

در این زمان خاتمی به شوخی اظهار داشت: اگر اینها را داشته باشیم که دیگری چیزی نمی خواهیم.

قیصی زاده در ادامه افزود: از همین نظر است که ما این سه خواسته را از شما داریم که این سه موضوع، مسایل اساسی جامعه است و اگر تامین شود، بسیاری از مشکلات کشور حل می شود.

در ادامه پس از آن که قیصی زاده اظهار نمود که در حال حاضر ۲۲ هفته نامه در استان بوشهر منتشر می شود و روزنامه ای در بوشهر منتشر نمی شود، خاتمی ضمن تعجب از عدم انتشار روزنامه در بوشهر گفت: باید یک کاری بکنیم که حتما استان بوشهر یک روزنامه یا چند تا روزنامه داشته باشد. حالا انشاالله شما تلاش بکنید تا یک کاری انجام بگیرد.

تبادار رئیس ستاد خاتمی در بوشهر



از سوی ستاد انتخاباتی سید محمد خاتمی، روسای ستادهای انتخاباتی رئیس دولت اصلاحات در استانهای بوشهر ، مازندران، گلستان و کردستان معرفی شدند.

اسماعیل تبادار مسئول ستاد انتخاباتی خاتمی در استان بوشهر، صفر رحمان‌زاده به عنوان مسئول ستاد انتخاباتی خاتمی در مازندران، علی اصغر احمدی مسئول ستاد انتخاباتی خاتمی در گلستان و حسن فیروزی مسئول ستاد انتخاباتی خاتمی در کردستان معرفی شدند.

راز این استقبال و حمایت چه بود؟

محمد دادفر



خاتمی هم به بوشهر آمد و رفت. دغدغه سنگین سفر خاتمی چند روزی فعالان سیاسی اصلاح طلب را در استان بوشهر به تکاپو انداخت. من هم در این تکاپو کنار دوستانم بودم.

استقبال بی سابقه از آقای خاتمی همه را شگفت زده کرد. هم دست اندر کاران سفر و هم مسئولین امنیتی و انتظامی سه استان جنوبی غافلگیر شدند. انبوه جمعیت استقبال کننده در دروازه های ورودی شهرها و پس از آن در محل سخنرانی و بعد در جلسات ویژه در این اندازه ها پیش بینی نشده بود.

راز این استقبال و حمایت چه بود؟ چه چیزی سبب شده بود در این زمانه وانفسا مردم شهر ها و روستاهای عمدتا محروم، به ویژه جوانان، این گونه پرشور وارد میدان شوند. به گمان من این ها بهانه ای برای بودن می خواهند و برای اعلام سرزندگی خود!

رفتارهای زننده مخالفان جریان اصلاح خواهی در خلال سال های پس از ۷۶ قطعا برای به انزوا بردن فعالین سیاسی و اجتماعی طراحی شده بود و تا امروز نیز امتداد یافته است. علی القاعده باید کسانی که رفتارهای خشن و برهم زننده سال های اخیر از جمله قتل های زنجیره ای، حبس فعالان سیاسی و مطبوعاتی و برخورد با روحانیون والا مقام از آیت ا... منتظری تا سید محمد خاتمی را دیده اند، باید ناامید از اصلاح به گوشه های خلوت پناه برده باشند و در انتظار موعودی برای حل مشکل این سر زمین نشسته باشند، اما این گونه نشده است.خروش اخیر نشان از بلوغ سیاسی اندیشمندان و همه ایرانیان است. امید به اصلاح نظام اسلامی و جامعه ایران با مدد از فرزندان نظام، پدیده ای بی سابقه است که همانند گوهری گران بها باید ارزشگزاری شود. خردورزی در عرصه سیاسی و دوری از برخوردهای احساسی گوهر دست یافته ماست. گوهری که پیشینیان و پدران ما بدان دست نیافتند و "امروز" ما را به میراث گذاشتند. ما یک بار دیگر برای اصلاح گام برمی داریم و همه هزینه های آن را به جان می خریم. سید محمد خاتمی نیز که می خواهد بار دیگر جلودار ما باشد، با آگاهی کامل از مسیر و تنگناها و گردنه های آن وارد راه شده است. برای نسل اول انقلاب بالاترین سرفرازی تاریخی، تحقق اهداف بلند انقلاب ۵۷ است و گرنه تا همیشه این نسل مسئول تاریخ خواهد بود که چه گفته و پس از آن چه کرده است!

به هر روی ورود دوباره خاتمی را گرامی می داریم و با تمام توان یک بار برای جبران هر فرصتی که برای اصلاح جامعه و نظام اسلامی از کف داده ایم ، حرکت می کنیم.

***

من همین جا از همه مردم آگاه و فهیم بوشهرکه در اجتماع و استقبال از سید محمد خاتمی شور و شعور این سامان را به نمایش نهادند به نوبه خودم سپاسگزاری می کنم. از آقای خاتمی پرسیدم نظرتان در مورد حضور و استقبال مردم بوشهر چه بود؟ ایشان ضمن تمجید از مردم بوشهر و یادآوری سفرهای پیشین خود به این منطقه گفت: "من در جلسه سخنرانی دریافتم که مردم این شهر از ادب و فرهنگ خاصی برخوردارند که سخن گفتن را آسان می کنند. من به جمعیت مقابل خودم که نگاه کردم احساسم این بود که دارم با یک جمع تحصیل کرده و دانشگاهی سخن می گویم و همه مرا به خوبی می فهمند"صف استقبال، سید را دلگرم کرده بود و در مهمانسرا احساس کردم خستگی چند روزه را از یاد برده است. در انتهای سفر آن چنان سرحال بود که خودش گفت می خواهم به میان حاضرین بروم و با آن ها حرف بزنم و عکس بگیرم. با یک یک کاگران مهمانسرا و همه حاضرین خوش و بش کرد و بسیار سر حال و قبراق از بوشهر رفت.

***

برای تهیه مقدمات این سفر دوستان ما در "ستاد سفر"کمتر از یک هفته وقت داشتند اما سنگ تمام گذاشتند که باز من به نوبه خودم از یکایکشان سپاسگذاری می کنم و دست های نیرومندشان را می فشارم. طبیعتا کاستی هایی نیز در برنامه ها وجود داشت که امیدواریم همگان بر ما ببخشایند.

ستاد انتخاباتی سید محمد خاتمی، آقای مهندس تبادار را به ریاست ستاد استان بوشهر برگزیده و بزودی فعالیت های ستاد توسط گروه های اصلاح طلب ساماندهی خواهد شد.

جناب آقای مهدی
رییس بنیاد شهید و امور ایثارگران استان بوشهر

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت فرزند دلبندتان را به شما و خانواده داغدارتان تسلیت عرض نموده از خداوند منان علو درجات برای آن مرحومه و صبری جزیل برای شما خواستارم.

هفته نامه نسیم جنوب